

بررسی ابعاد هویتی (جهانی، ملی، قومی یا محلی و دینی) دانش

آموزان دوره متوسطه و عوامل مرتبط با آن

*دکتر صمد صباغ

**آرزو شالفروش شتربانی

چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی ابعاد هویتی (جهانی، ملی، قومی و دینی) دانش آموزان دوره متوسطه و عوامل مرتبط با آن به انجام رسیده است. پرسش اصلی این است که دانش آموز در درجه اول با کدام یک از هویت‌های (جهانی، ملی، قومی و دینی) خود را به دیگران معرفی کرده و در برابر آن احساس تعهد و تعلق می‌کند و در ضمن چه عواملی با آن در ارتباط است؟ متغیرهای مستقل تحقیق عبارتند از: گستره شبکه روابط، سطح آگاهی، پنداشت از خود، گروه مرجع، مشارکت گروهی، رضایت از زندگی، احساس تبعیض و بی‌عدالتی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و جنسیت دانش آموزان، که رابطه آنها با ابعاد هویتی یا هویت غالب به عنوان متغیر وابسته سنجیده شده است.

نوع روش تحقیق حاضر از نوع پیمایشی می‌باشد و جامعه آماری آن را کلیه دانش آموزان دختر و پسر مقطع دوم متوسطه شهر تبریز تشکیل می‌دهد که حجم نمونه نیز با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۵ نفر بدست آمد و با استفاده از شیوه نمونه‌گیری مطبق نمونه‌ها انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری پرسش‌نامه محقق ساخته بود و اعتبار پرسشنامه از طریق اعتبار صوری و اعتبار سازه و پایایی آن نیز از طریق آلفای کرونباخ محاسبه گردید و مشخص شد که پرسش‌نامه مورد استفاده به لحاظ روایی و پایایی در سطح بالایی بودند تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از بسته آماری SPSS نسخه ۱۷ تحلیل گردید و آزمون‌های تحلیل

* عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

واریانس یکطرفه، آزمون تعقیبی LSD، آزمون X^2 و برای تعیین شدت رابطه بین متغیرها از آزمون V کرامر و آزمون ضریب فی استفاده گردید. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها بیانگر آن است که هویت غالب در نزد دانش‌آموزان هویتی دینی بوده و هویت‌های ملی، جهانی و قومی بترتیب در اولویت‌های بعدی قرار دارند.

از میان متغیرهای مورد بررسی گستره شبکه روابط، گروه مرجع، مشارکت گروهی، رضایت از زندگی، احساس تبعیض و جنسیت رابطه معناداری را نشان داده‌اند. اما دو متغیر دیگر (پایگاه اقتصادی - اجتماعی و پنداشت از خود) فاقد چنین رابطه‌ای بودند.

یافته‌های نظری این پژوهش مؤید دیدگاه کنش متقابل در سطح خرد و دیدگاه جامعه‌شناسانی مثل گیدنز در سطح میانی می‌باشد.

واژگان کلیدی: هویت، هویت جهانی، هویت ملی، هویت دینی.

مقدمه

موضوع هویت در طول تاریخ همواره در زندگی بشر مطرح بوده و از زوایای مختلف و رویکردهای متفاوت به آن پرداخته شده است. فیلسوفان، انسان‌شناسان، جامعه‌شناسان و ... هر کدام به شیوه‌های متفاوتی در صدد کشف جنبه‌ها و ابعاد آن برآمده‌اند. با این اوصاف باز هم موضوع هویت مورد سؤال بوده است. این که ما کیستیم؟ موجودیت ما چیست؟ عناصر تشکیل‌دهنده هویت ما چیست؟ و چه چیزهایی هویت، کیستی و چیستی ما را مشخص می‌سازند؟ آیا تنها هویت فردی داریم یا دارای هویت جمعی نیز هستیم؟ اگر دارای هویت جمعی هستیم من (ما) به کدام اجتماع تعلق داریم؟ امروزه بخش‌های مختلف کره زمین در برگیرنده جنبش‌های گوناگونی است که تلاش برای حفظ یا احیای عناصر هویت‌بخش خاص و مقابله با جریان‌های جهانی، به ویژه فرهنگ جهانی را می‌توان وجه مشترک همه آنها دانست. این جنبش‌ها افراد و گروه‌هایی را بسیج می‌کنند، که در فضای اجتماعی- فرهنگی جهانی به دنبال فرهنگ و هویت سنتی ناب هستند و در

برابر جریان‌های بی‌وقفه جهانی، بازسازی مرزهای فضای محدود فرهنگی را آرزو می‌کنند. نمونه‌هایی از این هویت‌ها که در حال شکل‌گیری و زنده شدن هستند می‌توان به ظهور هویت‌های قومی، نژادی، جنبش سپاهان، طرف داران محیط زیست، جنبش‌های فیمینستی و ... اشاره کرد.

در پژوهش حاضر ما به دنبال هویت‌هایی هستیم که در چهار سطح دینی، قومی (محلی)، ملی و جهانی مورد بررسی قرار می‌گیرند. سطح قومی که جزئی‌ترین و خاص‌ترین نوع هویت می‌باشد به احساس تعلق و وفاداری فرد نسبت به آداب و رسوم، تاریخ، سرزمین و زبان محلی اشاره دارد و به قول فکوهی این سطح از هویت، احساس تعلقی قدیمی به محیط بلافاصله را منعکس می‌کند که گویای کهن‌ترین و رایج‌ترین تعلق‌ها در گذشته بوده است. دومین سطح تعلق، سطح دینی است. سومین سطح تعلق، سطح ملی است که شکل غالب در دولت ملی به حساب می‌آید که البته عمدتاً سیاسی است و به علت سیاسی بودن خود نیاز به ایجاد الگوهای ذهنی و رفتاری مشخص در قالب ایدئولوژی حاکم دارند. این هویت عمدتاً در برگزیده ملتی است که در دوران سرزمین جغرافیایی مشخص بوده و دارای یک ساختار حاکمیت سیاسی واحد می‌باشند. این گروه دارای سرنوشتی مشترک بوده و در جنبه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ... دارای مشترکات زیادی می‌باشند. سرانجام سطح تعلق جهانی است که نوعی احساس تعلق و وفاداری نسبت به نوع بشر دارد و خود را متعلق به دنیای بزرگ می‌داند و تعلق و مسئولیت جهانی را به رسمیت می‌شناسند و می‌توان این علائق گسترده‌تر را در راه و رسم زندگی روزمره ادغام کند (فکوهی، ۱۳۸۱: ۱۴۳-۱۴۱). لذا تحقیق حاضر در نظر دارد نوع هویت نوجوانان آذری زبان شهر تبریز را شناسایی و هم‌چنین تعامل این هویت‌ها با یکدیگر را که الگوهای کنشی نوجوانان را شکل می‌دهد، مورد بحث و بررسی قرار دهد. بدین منظور دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع دوم متوسطه نظری شهر تبریز وارد مطالعه شدند. در این راستا سؤال پژوهش حاضر این است که دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع دوم متوسطه شهر تبریز در مرحله اول، خود را با کدام یک از این هویت‌ها می‌شناسند و به دیگران می‌شناسانند

و به چه میزانی در برابر آن احساس تعلق، تعهد و تکلیف می‌کنند؟ در مرحله دوم نیز به تعیین عوامل مرتبط با آن پرداخته شده است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

جامعه ایران در چند دهه اخیر به دلیل قرار گرفتن در متن شرایط اجتماعی و بین‌المللی و ارتباطات گسترده و تعامل با جوامع دیگر، با دگرگونی‌های مهمی روبرو بوده است. براین اساس، خانواده به دلیل ساخت‌یابی آن در انطباق تحولات اجتماعی - فرهنگی جامعه، هم پای با سایر نهادها و اجزای جامعه در جریان تحولات قرار گرفته است (رضایی و همکاران، ۱۳۸۵). انجام چنین تحقیقی در شرایط حال حاضر از آن جا ضروری می‌نماید که در سطح کلان و جهانی ما با پدیده رو به تزاید جهانی شدن و به تبع آن هویت جهانی مواجه هستیم و از طرف دیگر در قید و بند معیارها، ارزش‌ها و مذهب و آئین ملی بوده و اغلب نوجوانان در برابر الگوهای مذهبی، ملی و جهانی متفاوت قرار گرفته‌اند. بسیاری از این جوانان با کنده شدن از بنیادهای سنتی و در شرایط ضعف یا نبود ساختارهای نوین مدنی و یا مقاومت‌های ناشیانه برخی از سیاست‌گذاران و یا عدم تشخیص الگوهای ملی و محلی، دچار نوعی ابهام سرگردانی و عدم تعادل و توازن لازم بین سطوح مختلف هویت دچار نوعی بحران هویت می‌شوند. لذا آگاهی نسبت به هویت‌ها و توانایی در ترکیب و نحوه تعامل آنها با یکدیگر موجب شکل دادن به الگوهای کنشی نوجوانان شده و راه را برای تعاملات اجتماعی بهتر و انسانی‌تر باز می‌کند و عدم آگاهی از هویت‌ها و نحوه ترکیب آنها ما را دچار وضعیت و شرایط بی‌ثبات و ناپایدار و سرانجام بحران هویت می‌کند. از این رو پرداختن به موضوع هویت و عناصر تشکیل دهنده و لایه‌های مختلف آن در این تحقیق ضروری می‌نماید. هر چند در این زمینه تحقیقات فراوانی چه در داخل و چه در خارج از کشور انجام گرفته ولی با توجه به این که این پژوهش در بین آذری زبانان انجام می‌گیرد و هم چنین جامعه آماری مورد پژوهش که در بین نوجوانان و جوانان (دانش‌آموزان) می‌باشد و در این زمینه و در این جامعه آماری تحقیقات اندکی انجام شده است، بنابراین پژوهش حاضر از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است.

اهداف

هدف کلی: تعیین ابعاد هویتی (جهانی، ملی، قومی یا محلی و دینی) دانش‌آموزان دوره دوم مقطع متوسطه شهر تبریز و عوامل مرتبط با آن.

اهداف اختصاصی:

- ۱- تعیین رابطه بین گستره شبکه روابط و ابعاد هویتی (دینی، قومی، ملی و جهانی) دانش‌آموزان.
- ۲- تعیین رابطه بین سطح آگاهی و ابعاد هویتی (دینی، قومی، ملی و جهانی) دانش‌آموزان.
- ۳- تعیین رابطه بین پنداشت از خود و ابعاد هویتی (دینی، قومی، ملی و جهانی) دانش‌آموزان.
- ۴- تعیین رابطه بین نوع گروه مرجع و ابعاد هویتی (دینی، قومی، ملی و جهانی) دانش‌آموزان.
- ۵- تعیین رابطه بین مشارکت گروهی و ابعاد هویتی (دینی، قومی، ملی و جهانی) دانش‌آموزان.
- ۶- تعیین رابطه بین رضایت از زندگی و ابعاد هویتی (دینی، قومی، ملی و جهانی) دانش‌آموزان.
- ۷- تعیین رابطه بین احساس تبعیض و ابعاد هویتی (دینی، قومی، ملی و جهانی) دانش‌آموزان.
- ۸- تعیین رابطه بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده‌های دانش‌آموزان و ابعاد هویتی (دینی، قومی، ملی و جهانی).
- ۹- تعیین تفاوت دانش‌آموزان دختر و پسر به تفکیک نوع هویت‌شان.

مفهوم هویت

هویت در زبان فارسی به معنای آن چه که موجب شناسایی شخصی یا چیزی می‌شود، ذکر شده است (مشیری، ۱۳۶۹: ۱۷۷). در فرهنگ لاروس در تعریف از این واژه آمده است: آن چه که باعث می‌شود که یک شیء دقیقاً از همان ذاتی باشد که شیء را می‌سازند، ذکر شده است. هم چنین مفهوم هویت معادل «Identity» آمده است و به عنوان این همانی در کل چیزهایی که حقیقت عینی یک شیء را می‌سازند، ذکر شده است و نیز تعلق یک فرد به یک گروه اجتماعی بر پایه وضعیت یک محل جغرافیایی، زبانی، فرهنگی که جاذب برخی از ویژگی‌های خاص می‌باشد (لاروس، ۱۹۹۴: ۷۵۱، به نقل از مروت، ۱۳۸۳)، ذکر شده است. در جامعه‌شناسی هویت تابعی از وسعت و نفوذ ارزش‌ها و هنجارهای گروه و جمع می‌باشد. بدین معنا که هویت معمولاً در نگرشها و احساسات افراد نمود یافته و شخصیت جدای از دنیای اجتماعی دیگر افراد معنایی ندارد. در واقع هویت اجتماعی میان بیرون و درون یعنی میان دنیای شخصی و دنیای اجتماعی ارتباط ایجاد می‌کند (گل محمدی، ۱۳۸۰: ۲۲۳). از این رو فرد خویشتن را در جریان هویت‌یابی‌های اجتماعی می‌یابد و طرح‌ریزی می‌کند و هویت فرد در جریان تلاش دائمی برای ایجاد هماهنگی با اجتماع شکل می‌گیرد (احمدی، ۱۳۸۰: ۴۹).

از آن جایی که هویت از مفاهیم پیچیده و مبهم در حوزه علوم انسانی بوده و همواره در بین فیلسوفان، انسان‌شناسان، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و ... محل مناقشه بوده با این اوصاف تبیین این موضوع و عوامل مؤثر در شکل‌گیری آن از عهده یک نظریه و یا حتی یک مکتب بر نمی‌آید، لذا سعی شده حتی المقدور این مفهوم از زوایای گوناگون مورد کنکاش قرار گرفته است.

نظریه ساختارگرایی

واحد تحلیل در نظریه ساختارگرایان، ساختار می‌باشد و در نظریه آنها به ساختار، برتری بیشتری نسبت به فرد داده می‌شود. براساس این دیدگاه هر چند نظام

اجتماعی از مجموعه کنشگران فردی تشکیل گردیده اما در تحلیل نهایی، این کنشگران سهمی نداشته و کاملاً منفعل و متأثر از شرایط ساختاری - اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی می‌باشند. در این دیدگاه، کنشگر آفریده و مخلوق نظام اجتماعی است. بر این اساس هویت نیز به عنوان یک واقعیت اجتماعی متأثر از ساختار و شرایط اجتماعی بوده و فرد در شکل‌گیری هویت خود نقشی مؤثر ندارد. تغییرات هویت نیز تابع تغییرات محیطی است، تا موقعی که تغییری در محیط صورت نگیرد، هویت نیز تغییری نمی‌کند (عبداللهی، ۱۳۷۵: ۱۳۱).

اگوست کنت: کنت در مراحل تکاملی سه گانه خود سرانجام انسان را، در مرحله اثباتی و علمی جستجو می‌کند که از عام‌ترین مفهوم هویت جمعی (یعنی هم‌نوع) که متضمن احترام به انسان و انسانیت و خیرخواهی و به دور از تعلقات قومی و ایدئولوژیک است برخوردار می‌شود (تنهایی، ۱۳۷۴: ۱۲۴).

هربرت اسپنسر:^۲ اسپنسر مرحله اول روند تکاملی جوامع انسانی را جامعه جنگجو می‌داند که براساس قانون تکامل از ساده به پیچیده در طول تاریخ به جامعه صنعتی متحول می‌شود. از سوی دیگر افزایش حجم جامعه و تلاش انسان برای دستیابی به زندگی بهتر موجب بروز کمیابی و نهایتاً منجر به بروز جنگ می‌شود. لکن پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی، تقسیم کار شدید و تفاوت‌پذیری کارکردی و ساختاری، وابستگی متقابل اجزا به یکدیگر در قالب نظم پیچیده، توان انطباق انسان را با محیط اطراف خود افزایش داده و موجب بهبود وضعیت رفاهی می‌گردد. این پیشرفت‌ها زمینه را برای تحولات بعدی فراهم می‌نماید. تحولات با روند تدریجی، و با جهت تکاملی از ساده به پیچیده، همراه با تغییر هویت‌های کوچک و خاص گرایانه، به هویت‌های بزرگ و عام‌گرایانه پیش می‌رود (همان منبع).

امیل دورکیم:^۳ پس از تقسیم جوامع به ابتدایی ساده و صنعتی پیچیده موضوع پیدایش تقسیم کار و رواج تخصص و رشد هویت فردی را مطرح می‌نماید و در کنار این پدیده‌ها از پیدایش نوعی همبستگی که وی آن را

1- Comt
2- Herbert Spencer
3- E. Durkheim

همبستگی ارگانیکی در مقابل همبستگی مکانیکی یاد می‌کند. این نوع همبستگی در نظر وی موجب نوعی یگانگی اجتماعی ناشی از تفاوت‌پذیری است. وی در لابلای این نوع یگانگی به وجود آمده، به دنبال یک نوع وفاق اخلاقی^۱ است، وفاقی که فرد را نسبت به جامعه یا دولت وفادار سازد (علاقه‌بند، ۱۳۷۲: ۴۱). لذا در چنین جامعه‌ای سطح هویت جمعی اعتلاء می‌یابد.

ماکس وبر^۲: وبر در تیپولوژی جریان سلطه و اقتدار در طول تاریخ جوامع، پس از بیان ویژگی‌های دوره کاریزماتیک و سنتی و عقلانی و سازمان اجتماعی متناسب با آن، از سه نوع شخصیت اجتماعی: فره‌مند، فره‌یخته و خبره یا متخصص که با سه نوع اقتدار موصوف قابل انطباق‌اند بحث می‌نماید. وی پس از مقایسه این دو جامعه به رشد عقلانیت ابزاری و کنش‌های عقلانی مبتنی بر ضوابط عام و اعتلای سطح هویت جمعی اشاره می‌کند. وبر ویژگی منحصر به فرد دنیای نوین را رشد فزاینده‌ی عقلانیت به خصوص عقلانیت ابزاری می‌داند که به تبع آن هویت‌ها نیز اعتلا می‌یابند و از حالت سنتی و عاطفی به هویت‌های عقلایی تبدیل می‌شود (عبداللهی، ۱۳۷۵: ۱۲۳).

جرج زیمل^۳: زیمل در جامعه‌شناسی صوری از روابط اجتماعی و هندسه اجتماعی تعریف می‌کند. در ضریب هندسی مورد نظر او اعداد و فاصله‌ها می‌باشند، یعنی در روابط فرد و جمع به جرم یا حجم اجتماعی و میزان تشابه و مقایسه‌پذیری فاصله اجتماعی توجه می‌کند. با توجه به این عوامل فرد در جمع تحلیل می‌رود، ولی نشان هویت جمعی کوچک در پیشانی خود دارد. در عین حال این عوامل پذیرش فرد را در اجتماعات دیگر با مشکل مواجه می‌کنند، در حالی که در جامعه صنعتی ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی از هم متمایز می‌شوند و فرد ضمن سروکار داشتن با ابعاد مختلف، زیر سلطه هیچ واحد یا بخش خاصی قرار نمی‌گیرد و ابعاد شخصیتی او نیز متمایز و گسترده‌تر می‌شود. لذا فرد از استقلال عمل و فردیت بیشتری برخوردار است. این امر او را

1- Consensus Moral
2- Max Weber
3- Georg Simmel

بررسی ابعاد هویتی (جهانی، ملی، قومی یا محلی و دینی) دانش‌آموزان دوره متوسطه و عوامل مرتبط با آن

قادر می‌سازد تا براساس ضوابط رسمی و عقلانی عام‌تری عمل کند. بنابراین با افزایش حجم و تفاوت‌پذیری بیشتر اشکال یا صورت‌های اجتماعی همبستگی بین گروهی بیشتر و هویت جمعی نیز عام‌تر می‌شود (همان منبع: ۱۲۵).

دیدگاه تضادگرایان

کارل مارکس^۱: مارکس معتقد بود که با تکامل تاریخی، گرایش انسان‌ها به سمت هم‌نوع‌خواهی و هویت عام، سیلان می‌یابد و در جوامع بی‌طبقه، روابط اجتماعی عام و تفکر علمی جایگزین می‌شود (همان منبع). که با شکل‌گیری انسان طراز نوین، هویت جمعی انسان‌ها به هم‌نوع‌خواهی سوق داده می‌شود.

هابرماس^۲: تضادها و تعارضات و بحران‌های هویت‌های موجود را ناشی از نبود آزادی و مشارکت حقیقی مردم در تعیین سرنوشت خویش می‌داند. به نظر او لازمه رفع نابرابری‌ها و تعارضات و رسیدن به اجماع عمومی و کنش اجتماعی عام و در نتیجه سازگاری و یگانگی افراد بر سر باورها و ارزش‌ها و هم‌سویی ساختارهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و تشکیل اجماع عام، وجود آزادی و به دور از سلطه برای انجام گفتگویی آزاد و خردمندانه و نیز مشارکت نظری و عملی افراد در حوزه عمومی است (همان منبع: ۱۳۷).

دیدگاه کنش‌گرایان

دیدگاه کنش‌گرایان به عنوان یکی از دیدگاه‌های مسلط روان‌شناسی اجتماعی و مورد اقبال جامعه‌شناسان، تلاش دارد بنیان‌های نظری هویت را در قالب سازه‌هایی اجتماعی ارائه نماید (Howard, Judith, 2000). در این دیدگاه هویت را به عنوان پدیده‌ای در حال ایجاد شدن و جدید می‌دانند که در هیچ زمان و مکانی ثابت نخواهد بود و همواره در حال شکل‌گیری و تغییر است. قضیه بنیادین در تعامل‌گرایی نمادین از این قرار است که مردم معانی نمادین را به اشیا، رفتارها، خودشان و دیگران الصاق می‌کنند، و این معانی را طی تعامل

1- Karl Marx
2- Habermas

منتقل می‌نمایند و بسط می‌دهند. افراد نه بر مبنای خصوصیات غیرانتزاعی اشیا، بلکه بر مبنای معانی‌ای که این اشیا برای آنان دارند، رفتار می‌کنند (Ibid). اینها معتقدند که انسان از ابتدای زندگی اجتماعی دارای یک هسته بنیادین یا یک هویت نسبی اولیه است که در جریان جامعه‌پذیری و کنش متقابل با دیگران هر روز هویت‌های جدیدی را ایجاد می‌کند. از نظر پیروان این مکتب هیچ‌گاه هویت کامل نیست و هر روز در حال ایجاد شدن است. واحد تحلیل کنش‌گرایان فرد است و در نظریه آنها به فرد برتری بیشتری نسبت به جامعه داده می‌شود (ترنر^۱، ۱۹۹۸: ۳۸۲-۳۷۵).

هربرت مید: بر اساس دیدگاه مید «خود» برآیندی از مفهوم (I) و (me) است. در تئوری مید (I) «من فاعلی» و «me» «من مفعولی» از اهمیت بیشتری برخوردار است. «من فاعلی» به جنبه‌های نمادی و خلاق «ما» و «من مفعولی» حاصل ارتباطات اجتماعی و شبکه تعاملات و فرآیندهای اجتماعی است. «من فاعلی» از نظر مید، هویت فردی انسان است، شکل نیافته و در بعد انگیزشی خود قابل جستجو است و «من مفعولی»، هویت جمعی است، سازمان یافته و شکل گرفته است که در فرآیند اجتماعی شدن پدید می‌آید که برآیند تعاریف دیگران از من است. غالب بودن هر کدام از جنبه‌های «من فاعلی» و «من مفعولی» بستگی به شرایط فرد و زندگی اجتماعی او دارد. از نظر وی رفتار یک فرد را تنها می‌توان از طریق فهم رفتار کلی گروه اجتماعی‌اش دریافت، زیرا کنش‌های فردی به کنش‌های اجتماعی گسترده‌تری وابسته‌اند؛ پس خود یک فرد به ساختار و سازمان اجتماعی‌اش وابسته است. وی در بحث‌های خود از چگونگی تکوین «خود» به عنوان شخصیت فرد، در چارچوب اجتماعی از ایفای نقش افراد صحبت می‌کند. به نظر او خویشتن فرد بدون ارتباط با دیگری تصورناپذیر است که در صحنه روابط متقابل اجتماعی خود را نشان می‌دهد (عبداللهی، ۱۳۷۵).

اریکسون و فروید^۱: از روانشناسانی هستند که توجه ویژه‌ای به هویت داشتند. آنها هویت را به عنوان یک امر ایستا نمی‌بینند. فروید وقتی «خود^۲» را مطرح می‌نماید در کنار آن «نهاد» (ID) و فراخود^۳ را نیز مطرح می‌کند. وی برآیند «فراخود» و نهاد «چیزی را» خود می‌نامد که در ضمیر خودآگاه شکل می‌گیرد. اریکسون آن را فرآیند مستمر در فعالیت‌های جمعی او می‌بیند.

چارلز هورتون کولی^۴: معتقد است که «خود» یعنی احساس این که فرد کلیتی متمایز است، اما در عین حال خود و دیگری دو روی یک سکه‌اند. در نتیجه خود فقط براساس شباهت و تفاوت نسبی با دیگران تعریف می‌شود. از نظر او خود یک شخص از رهگذر تبادل او با دیگران رشد می‌یابد و در یک فرآیند دیالکتیکی بین فرد و اجتماع شکل می‌گیرد (کوزر، ۱۳۷۵). فلسفه اجتماعی کولی، مبتنی بر این فکر بود که پیشرفت بشری به گسترش هر چه بیشتر همدردی انسانی وابسته است که آرمان‌های وابسته به عواطف و احساسات و همیاری و همکاری از «گروه نخستین» به اجتماع محلی و ملت و سرانجام به اجتماع جهانی گسترش می‌یابد (همان منبع).

جنکینز^۵: هویت حاصل دیالکتیک درون و برون یا فرد و جامعه است، بنابراین هویت دو جانبه است (جنکینز، ۱۳۸۱). برگر و لاکمن، هویت را واقعیت ذهنی می‌دانند که رابطه‌ای دیالکتیکی با جامعه دارند که در فرآیند اجتماعی شدن متبلور می‌شود، معتقدند جوامع تاریخ‌هایی‌اند که در جریان آنها هویت‌های خاصی سر بر می‌آورند و هویت از دیالکتیک میان فرد و جامعه سر بر می‌آورد و پدیده‌ای اجتماعی در نظر گرفته می‌شود (برگر^۶ و لاکمن^۷، ۱۳۷۵).

تاجفل^۸: تاجفل هویت را عبارت از یک «خود» مفهومی ناشی از عضویت درون گروهی در یک گروه اجتماعی همراه با احساسات، ارزش‌ها و تماس‌های

1- Erecson & Freud
2- Ego
3- Super ego
4- Charles Horton Cooley
5- Jenkinz
6- Berger
7- Luckmann
8- Tajfel

عاطفی با دیگر اعضا که این احساس باعث تعلق فرد به گروه شده و هم چنین موجب می‌شود که خود را در دسته‌بندی‌های اجتماعی وابسته به گروه خود، معرفی کند. بر طبق دیدگاه تاجفل آن بخشی از هویت ما که نشأت گرفته از گروهی است که به آن تعلق داریم (درون گروه) و به وسیله مقایسه و ترجیح افراد گروه خود نسبت به کسانی که در خارج از گروه هستند (برون گروه) شکل می‌گیرد. در مواقعی که هویت فرد رضایت بخش نیست، افراد سعی خواهند کرد که یا گروه فعلی خود را ترک کرده و به گروه دیگری که در وضعیت مثبت‌تری قرار دارد ملحق شوند و یا این که در وضعیت گروه خود بهبود حاصل کنند (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۲۶). در واقع «خود» نسبت به محیط واکنش نشان می‌دهد، در یک وضعیت ممکن است که ملیت در درجه اول اهمیت باشد اما در وضعیت دیگر ممکن است قومیت یا نژاد مورد توجه باشد یا در وضعیت دیگر دین مطرح باشد. بنابراین مفهوم «خود» از این هویت‌ها شکل می‌گیرد و همواره متناسب با شرایط و موقعیت‌ها تغییر می‌یابد.

دیدگاه رفتارگرایان اجتماعی

جامعه‌شناسان رفتارگرا، از منظر زیستی، روانی به مسایل و پدیده‌های اجتماعی توجه دارند. هومنز^۱، معتقد است اگر عدالت توزیعی رعایت گردد وفاق و همدلی به وجود می‌آید. در غیراین صورت، فرد احساس محرومیت و تبعیض کرده، به هنجارهای اجتماعی وقعی نمی‌گذارد و ارزش‌ها و الگوهای عام جمعی را نمی‌پذیرد و تشخص خاص گرایانه پیدا می‌کند (ریتزر، ۱۳۷۴). پیتربلاو^۲، معتقد است کنش متقابل اجتماعی نخست در چارچوب گروه‌های اجتماعی رخ می‌دهد، انسان‌ها هر گاه احساس کنند که روابط یک گروه پاداش‌های بیشتر از روابط گروه‌های دیگر به آنها عرضه می‌کند، جذب آن گروه می‌شوند (همان منبع). پس در صورتی که افراد از تبادل خود با گروه‌های متفاوت رضایت خاطر داشته باشند، همبستگی خود را با آن حفظ می‌کنند و در صورت عدم سودمندی رابطه را با آن

1- Homenz
2- Blau

گروه قطع می‌کنند. افراد با داشتن ارزش‌های کل گرایانه، گرایش به سمت هویت جهانی پیدا می‌کنند (ریتزر، ۱۳۷۴).

دیدگاه تلفیق‌گرایان

از نظر جامعه‌شناسان تلفیق‌گرا جامعه عرصه‌ی همنشینی عناصر خرد و کلان می‌باشد که نمود عینی آن مشروعیت دادن به تکثرگرایی و قبول وجود هویت‌های جمعی گوناگون است (توسلی، ۱۳۸۰: ۱۶). گیدنز به عنوان جامعه‌شناسی تلفیق‌گرا یکی از شناخته‌ترین و جامع‌ترین کوشش‌ها را در راستای تلفیق عاملیت و ساختار انجام داده است و نظریه هویت را با توجه به نظریه ساختاربندی می‌خواهد توضیح دهد. بدین معنا که کنشگر به صورت بازاندیشانه‌ای به ارزیابی فعالیت‌های خود در ساخت اجتماعی می‌پردازد و تأثیرگذاری و تغییر شرایط اجتماعی افراد اساساً نتیجه توانایی آنها در بازاندیشی نسبت به رفتار خویش است (ذکایی، ۱۳۸۱: ۳).

به نظر گیدنز^۱ هویت افراد براساس خودآگاهی و هم توسط شرایط و موقعیت‌های اجتماعی در زمان و مکان شکل می‌گیرد. وی معتقد است که عملکردهای اجتماعی، روند بازتابی بودن آن، عقلانیت و خود آگاهی فرد و بازاندیشی آن، هویت فرد را همیشه در فرآیند ساخت‌یابی قرار می‌دهد، به ویژه در عصر جدید که نهادهای امروزی هم دخالت دارند. به زعم وی هر چیزی در زندگی اجتماعی از آن چه سیستم‌های جهانی در بر می‌گیرند تا آن چه که وضعیت فکری یک فرد محسوب می‌شود در یک کردار و راه و رسم اجتماعی به وجود می‌آید. از این رو گیدنز معتقد است که هویت فرد در روند ساخت‌یابی و با توجه به موقعیت‌ها، شرایط و احوال و اوضاع اجتماعی، اقتصادی و نیز خود آگاهی شکل می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۸۱). بر این اساس همیشه باید هویت خودمان را براساس زمان و فضا و تحت شرایط مختلف مورد تجدید نظر، بازبینی و مورد مشاهده قرار دهیم. به تعبیر دیگر در دوران

اخیر بستر هویت‌سازی دگرگون می‌شود و به صورت پروژه‌ای انعطاف‌پذیر در می‌آید.

دارندورف^۱: به عنوان یکی دیگر از جامعه‌شناسان تلفیق‌گرا معتقد است که باید فرد و جامعه را برای تحلیل با هم در نظر گرفت. بر طبق این دیدگاه مقوله بنیادی شکل می‌گیرد که در آن فرد و جامعه همزمان و به گونه‌ای با واسطه یکدیگر در آن تجلی می‌یابند. این مقوله بنیادی همان «انسان اجتماعی» است که نقطه تلاقی فرد و جامعه است، یعنی انسان به عنوان حامل نقش‌های اجتماعی از پیش شکل گرفته است، فرد همان نقش‌هایی است که در جامعه ایفا می‌کند، اما از سوی دیگر این نقش‌ها همان موقعیت آزارنده جامعه هستند. بر طبق این دیدگاه انسان اجتماعی مورد نظر دارندورف یعنی انسانی که فقط ایفاگر نقش‌هایی است که از پیش تعیین شده و فقط ایفای آن از وی انتظار می‌رود (دارندورف، ۱۳۸۱: ۳۵). به طور کلی طبق این دیدگاه انسان از هویتی خاص گرایانه انسان سرزمینی به سمت هویتی عام‌گرایانه فراسرزمینی حرکت می‌کند. او این روند را در مجموع در جهت گسترش آزادی و عدالت می‌بیند. هابرماس، هویت، را فرآیندی تاریخی در نظر می‌گیرد که کنشگر در تعامل خود و مشارکت در جو فرهنگی تازه کسب می‌کند و معتقد است به صورت هویت قومی، فراقومی یا سنتی و اخلاق قابل تمییز است (هولاب، ۱۳۷۸: ۲۴۴). هابرماس، معتقد است دخالت دولت در امور اقتصادی، بحران اقتصادی را در عرصه اجتماعی پدید می‌آورد، تلاش دولت برای کنترل بحران اقتصادی «بحران عقلانیت» را ایجاد می‌کند، بحران عقلانیت به «بحران مشروعیت» منتهی می‌شود چرا که دولت استراتژی مناسبی برای آتی دادن منافع متضاد کنشگران اجتماعی پیدا نکرده است و مشروعیت خود را در نظر مردم از دست می‌دهد، در چنین وضعیت «بحران انگیزه» بروز می‌کند بحران انگیزه در واقع همان بحران همبستگی اجتماعی است که امکان مشارکت سودمند مردم را در فرآیند تصمیم‌گیری از طریق نهادهای دموکراتیک معمول از قبیل احزاب سیاسی و

1- Dahrendorf

انتخابات از بین می‌برد و زمینه را برای جنبش‌های اجتماعی، فراهم می‌کند. مثل جنبش دانشجویی برای مدتی در دهه‌ی ۱۹۶۰، جنبش زنان، محیط زیست و ضد قدرت هسته‌ای، معتقد است که باید به وسیله‌ی کنش‌های رهایی‌بخش، از کنش‌های رها شده و به کنش‌های ارتباطی و تفاهمی رسید و این کنش‌های ارتباطی است، که زمینه را برای هویت جمعی عام‌تر، فراهم می‌کند و این امر، در صورتی میسر می‌گردد که جامعه‌ای شکل بگیرد که در آن «عرصه عمومی» ظهور پیدا کند. تفاهم از طریق واکنش‌های ارتباطی فراهم می‌شود در چنین حالتی زمینه برای یک کنش اجتماعی عام یا استراتژیک فراهم می‌شود، که سرنوشت‌ساز و تاریخ‌ساز می‌گردد (عبداللهی، ۱۳۸۰).

کاستلز، هویت را مرتبط با متن و زمینه‌های اجتماعی می‌داند که سیاست‌های مربوط به آن را باید در جایگاه تاریخی آنها بررسی کرد. به نظر او دنیا و زندگی ما به دست جریان‌های متضاد جهانی شدن و هویت شکل می‌گیرد. انقلاب تکنولوژی اطلاعات و بازسازی ساختارهای سرمایه‌داری، شکل تازه‌ای از جامعه یعنی جامعه‌ی شبکه‌ای را پایه گذارده است. وی هویت را فرآیند معناسازی براساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه‌ای به هم پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی که بر منابع معنایی دیگر اولویت داده می‌شود، تعریف می‌کند که برای کنشگر جمعی، ممکن است چندین هویت وجود داشته باشد، اما این کثرت برای خود بازنمایی و کنش اجتماعی سرچشمه تنش و تناقض است. معنا، به منزله یکی شدن نمادین کنشگران اجتماعی با مقصود و هدف کنش است. او خصیصه‌های متمایزی را برای جامعه‌ی شبکه‌ای و اطلاعاتی کنونی قایل است که منجر به هویت‌های متمایزی نسبت به دوران ماقبل می‌گردد، چراکه با افزایش ارتباط متقابل تحت تأثیر جهانی شدن و از طرف دیگر تأکید بر هویت‌های محلی (مقاومت)، روند هویت‌گزینی افراد، دستخوش تغییر و دگرگونی است و برحسب تعامل دیالکتیکی محلی و جهانی بازساخته می‌شوند. کنشگران اجتماعی بر مبنای احساس کاهش مشروعیت نظام سیاسی خود و احساس تبعیض ناعادلانه سیاسی و اقتصادی یا اجتماعی واکنش نشان داده و هویت یا تشخیص خود را از

جماعت‌هایی می‌گیرند که با ویژگی تدافعی و یا برنامه‌دار در صدد ارائه هویت جدید هستند و این امر به دو صورت خاص گرایانه و عام گرایانه است (کاستلز، ۱۳۸۵).

دیدگاه نوگرایان

بندیکت اندرسون^۱ از طرف داران مکتب نوگرایان بیان می‌دارد که هویت ملی به وسیله مفهومی از زبان مدرن ممکن گشت و به وسیله استفاده ملی گرایان از وجوه سرمایه‌دارانه ارتباطات گسترش پیدا کرده، چون سرمایه‌داری مدرن نیازمند یک نظام آموزشی مشترک و نیز زبان مشترک در کارخانه‌های مدرن بود. اندرسون یادآور می‌شود دلایلی که باعث ایجاد مفهوم ملت شدند متفاوت و پیچیده‌اند، اما از همه مهم تر، سرمایه‌داری است. به نظر وی سه عامل مهم باعث ایجاد زبان ملی توسط سرمایه‌داری شدند که در میان آنها دو عامل به رشد آگاهی ملی یاری رساند. عامل نخست که اهمیت چندانی نداشت تغییر زبان لاتین بود. عامل دوم فرماسیون بود که توفیق خود را مدیون سرمایه‌داری عصر چاپ بود و بالاخره عامل سوم گسترش زبان‌های ملی به عنوان ابزاری جهت ایجاد تمرکز توسط برخی از سلاطین بود (آندرسون، ۱۹۹۱: ۴۲-۳۸، به نقل از مروت، ۱۳۸۳). از نظر وی هویت ملی چیزی است که مدام توسط ابزارهای نظیر روزنامه، نظام آموزشی و کتاب روایت می‌شود. در واقع این ابزارها مدام به افراد یک جامعه خاطر نشان می‌کنند که دارای تفاوت‌های جامعی با افراد دیگر جوامع هستند لذا از آنها مجزا می‌باشند، این مجزا بودن اصلی‌ترین مسأله در روایت هویت است، مادامی که انسان‌ها در یک جامعه خود را از دیگران تفکیک می‌کنند فضای آن جامعه یک فضای هویتی است (همان). در مجموع نوگرایان ناسیونالیسم، ملیت را به دوران سرمایه‌داری و اخیر منحصر می‌کنند و جنبه تاریخی آن را نادیده می‌گیرند. در کنار این هویت، هویت جهانی قرار دارد که معطوف به نوعی عام‌گرایی اصول، ارزش‌ها و معیارهای آن درباره همه مردم و در همه جا معتبر است. اعتبار چنین اصول، ارزش‌ها و معیارهایی به علایق و تعلقات محلی، زبانی، نژادی و دینی فرد بستگی ندارد و انسان را چون انسان در

1- Anderson

بررسی ابعاد هویتی (جهانی، ملی، قومی یا محلی و دینی) دانش‌آموزان دوره متوسطه و عوامل مرتبط با آن

نظر می‌گیرد. برخلاف هویت‌های دینی و محلی، هویت جهانی برانطباق، آمیزش و تفاهم استوار است و مناسب‌ترین موضع‌گیری را هنگام برخورد با اطلاعات، افکار، ارزش‌ها و دیدگاه‌های جدید، توسل به گفتگو، هم‌پذیری و دست کم هم‌زیستی می‌داند (گل محمدی، ۱۳۸۰: ۱۲۷).

پیشینه تحقیق

جاناتانام چک و دیگران^۱ در سال ۲۰۰۲ در مورد ابعاد و جنبه‌های مختلف هویت از مقیاس جدیدی که در سال ۱۹۹۶ توسط دول اینگر^۲ ساخته شده بود بحث می‌کنند. آنها از ترکیب عناصر هویت اجتماعی و سایر عناصر، نوع جدیدی از هویت را تحت عنوان «هویت ظاهری»^۳ طرح نموده‌اند. به اعتقاد آنها عناصر پنج‌گانه‌ای که این نوع هویت را به وجود می‌آورند عبارتند از: ۱- چیزهایی که فرد به خود متعلق می‌داند. ۲- سن و گروه سنی و نسلی که فرد خود را بدان منتسب می‌کند. ۳- راه‌هایی که به ترس و اضطراب فرد مربوط می‌شود. ۴- سیمای فیزیکی فرد نظیر (قد، وزن، اندام و قواره). ۵- فریبندگی و جذابیت فرد در بین مردم. میانگین پرسشنامه آنها ۱۷/۴۶ و انحراف معیار آن ۳/۳۹ بود. آنها هم چنین ابعاد هویت را در پنج مورد هویت رابطه‌ای (RI)، هویت شخصی (PI)، هویت اجتماعی (SI)، هویت جمعی (CI)، شخصیت اختصاصی (SP) بررسی نمودند. سپس هویت ظاهری را با دیگر ابعاد هویت در رابطه همبسته قرار دادند. در نتیجه این هویت با هویت شخصی به میزان ۱۹٪ و با هویت رابطه‌ای ۷۵٪ و با هویت اجتماعی ۶۱٪ و با هویت جمعی ۳۶٪ همپوشی داشت. سپس دول اینگر اقدام به ساخت نوع دیگری از ابعاد هویت به نام «هویت آکادمیک»^۴، از طریق جمع سه عنصر هویت شخصیت اختصاصی که بیشترین اهمیت را در طرح داشت نمود. مقیاس ساخته شده نیز به میزان ۲۳٪ با نمرات قدرتمندی و ۱۶٪ با نمرات مذهبی و بالاخره ۲۷٪ با نمرات موفقیت همبستگی نشان داد.

1- Jonathan M. Cheek & other

2- Dollinger

3- Superficial Identity

4- Academic Identity

نادین بالبی^۱ (۲۰۰۱) در مطالعه‌ی هویت ملی و خارجی جهت بررسی هویت ملی افراد آمریکایی با استفاده از روش کیفی، نمونه‌ای از افراد آمریکایی را که البته در خارج از آمریکا تحصیل کرده بودند انتخاب نموده است. نتایج تحقیق وی نشان داده است که حضور در کشور دیگر باعث شده جنبه‌هایی از هویت ملی افراد دوباره ساخته شود و هرچند برخی آمریکایی‌ها هویت ملی خود را به عنوان یک دارایی در آغوش می‌گیرند، برخی دیگر ارتباط میان هویت ملی و سرزمین را رد کرده‌اند.

علیزاده اقدام در تحقیق خود با عنوان تطبیق هویت ملی و دینی دانش‌آموزان و عوامل تأثیرگذار بر آن (مطالعه موردی دانش‌آموزان ناحیه ۴ تبریز) در سال ۱۳۸۶ که در بین ۳۵۰ نفر از دانش‌آموزان دبیرستان‌های دولتی و غیرانتفاعی ناحیه ۴ تبریز انجام داده است به نتایج زیر دست یافت: میانگین بعد اعتقادی و بعد رفتاری دینی در دانش‌آموزان در حد بالایی بوده، ولی میانگین بعد شناختی در حد متوسط بوده است، لذا پاسخگویان در بعد اعتقادات دینی و هم عمل به آنها در حد مطلوبی بودند، ولی ارزش‌های فرهنگی در بین دانش‌آموزان در حد پایین بوده است.

آذرخش (۱۳۸۷) در تحقیق خود با عنوان «بررسی وضعیت هویت دینی دانش‌آموزان در شهر سنندج» که در بین ۳۶۹ دانش‌آموز پسر در سنین ۸ تا ۱۴ سال انجام داد که هویت دینی در سه سطح مورد بررسی قرار گرفته بود: سطح اعتقادی - شناختی، تجربی - احساسی و مناسکی - ارزشی. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که: رابطه همبستگی معناداری بین سن و هویت دینی در سطوح تجربی - احساسی و مناسکی - ارزشی وجود دارد. با این حال رابطه بین هویت دینی و سطح اعتقادی - شناختی مشاهده نشد. هم‌چنین رابطه معناداری بین رشته تحصیلی و هویت دینی مخصوصاً در سطح دبیرستان مشاهده شد، نهایتاً رابطه معناداری بین تحصیلات پدر و هویت دینی دانش‌آموز مشاهده نشد، تحصیلات مادر در این رابطه نقش معکوسی داشته است. سن، پایگاه اقتصادی - اجتماعی در بین متغیرهایی بودند که در تحلیل

رگرسیون‌های بیشترین رابطه را با هویت دینی داشته‌اند، سایر متغیرها مانند وسایل ارتباط جمعی، رشته تحصیلی رابطه چندانی با هویت دینی نداشته‌اند.

اکبری و عزیزی (۱۳۸۷) در تحقیقی که با عنوان هویت ملی و عوامل مؤثر بر آن در میان دانش‌آموزان دوره متوسطه با استفاده از روش پیمایشی انجام داد، که نتایج تحقیق وی نشان داد، میزان هویت ملی در میان ۷۸٪ از دانش‌آموزان متوسط و بالاست، هم چنین ۲۲٪ از آنها دارای هویت ملی ضعیف بوده و در بحران هویت به سر می‌برند. بررسی عوامل مؤثر بر هویت ملی نشان داد که مهم‌ترین متغیرهای مؤثر بر آن به ترتیب عبارت بودند از: احساس تعلق به جامعه، نوع رویکرد به غرب، مشروعیت نظام سیاسی و فردگرایی بوده است (اکبری و دیگری، ۱۳۸۷).

در پژوهشی که توسط کلانتری و همکاران (۱۳۸۸) با عنوان هویت دینی و جوانان (نمونه آماری جوانان شهر شیراز) انجام گرفت، نتایج نشان داد که ۸٪ پاسخگویان دارای هویت دینی متوسط، ۸۸٪ بالا و ۴٪ دارای هویت دینی ضعیف بودند و میانگین نمره هویت دینی ۸۰/۱ به دست آمده بود. در بین عوامل اجتماعی مؤثر، مشارکت اجتماعی، رضایت اجتماعی، ارتباط با دیگران، عضویت در مقولات اجتماعی اثر مثبت و احساس نابرابری اجتماعی، فردگرایی و رسانه‌های گروهی اثر منفی بر هویت دینی دانش‌آموزان داشتند و متغیرهای مستقل در این تحقیق توانسته بودند ۴۲٪ از کل تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند. در پایان نتیجه گرفته که دانش‌آموزان دین را با وجود پیشرفت علم برای زندگی مهم دانسته‌اند.

جمع‌بندی نظریه‌ها

در جمع‌بندی نتایج حاصل از مرور دیدگاه‌های نظری و منابع تجربی موجود در ارتباط با هویت با تأکید بر دیدگاه‌های سطح خرد می‌توان گفت که هویت امری اجتماعی است و در ارتباط با اجتماع و دیگران معنا و مفهوم می‌یابد. شکل‌گیری و یا تغییر آن بسته به عوامل و شرایط مختلف در سطح خرد و کلان

و ارتباط متقابل این دو سطح دارد. نکته‌ای دیگر که باید به آن اشاره کرد این است که یک فرد می‌تواند دارای چندین هویت مختلف بوده و وجود آنها در کنار همدیگر به منزله نوعی تعارض و تناقض و یا نفی یکدیگر قلمداد نمی‌شود، بلکه این هویت‌ها می‌توانند در تعامل با یکدیگر بوده و بسته به شرایط و موقعیت‌های مختلف اجتماعی یکی از آنها شکل غالب پیدا کرده و فرد براساس آن خود را شناخته و در قبال آن احساس تعلق، تعهد و دلبستگی کند.

فرضیه‌ها

- ۱۰- بین گستره شبکه روابط و ابعاد هویتی (دینی، قومی، ملی و جهانی) دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
- ۱۱- بین سطح آگاهی دانش‌آموزان و ابعاد هویتی (دینی، قومی، ملی و جهانی) آنان رابطه وجود دارد.
- ۱۲- بین پنداشت از خود و ابعاد هویتی (دینی، قومی، ملی و جهانی) دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
- ۱۳- بین نوع گروه مرجع و ابعاد هویتی (دینی، قومی، ملی و جهانی) دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
- ۱۴- بین مشارکت گروهی و ابعاد هویتی (دینی، قومی، ملی و جهانی) دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
- ۱۵- بین رضایت از زندگی و ابعاد هویتی (دینی، قومی، ملی و جهانی) دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
- ۱۶- بین احساس تبعیض و ابعاد هویتی (دینی، قومی، ملی و جهانی) دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
- ۱۷- بین پایگاه اقتصادی_ اجتماعی خانواده‌ها و ابعاد هویتی (دینی، قومی، ملی و جهانی) دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
- ۱۸- نوع هویت دانش‌آموزان دختر و پسر متفاوت است.

تعریف مفاهیم

مشارکت گروهی: فرنیچ جامعه‌شناس فرانسوی مشارکت را عبارت از: «درگیر شدن ذهنی و عاطفی یک فرد در یک وضعیت گروهی که درگیری او را تشویق و برانگیخته می‌کند تا به هدف‌های گروه کمک کند و خود را در مسئولیت‌های آن گروه نیز سهیم بداند و برای به سرانجام رساندن مقصود گروه تفکر و تلاش کند» می‌داند (انصاری، ۱۳۷۵). مشارکت گروهی در این تحقیق به مفهوم همکاری، شرکت در کاری، امری یا فعالیتی و تصمیم‌گیری چه به صورت فعال و چه به صورت غیرفعال می‌باشد و از طریق معرف‌های زیر سنجیده شده است: شرکت در کارهای گروهی مدرسه، شرکت در کارهای عام‌المنفعه، کمک کردن به دوستان در یادگیری درس‌ها، کمک به افراد سیل‌زده و زلزله‌زده و ...

پنداشت از خود^۱: روزنبرگ پنداشت از خود را جامعیت اندیشه‌ها و احساساتی می‌داند که فرد در ارجاع به خودش به عنوان یک شناخته‌عینی در نظر می‌گیرد (مارشال، ۱۹۹۶: ۴۶۹). در این پژوهش، پنداشت از خود به معنی ارزیابی کلی فرد از خودش (مثبت و منفی) از نقطه نظر فیزیکی، اجتماعی، روانشناختی و اخلاقی است که از طریق معرف‌های زیر مورد سنجش قرار گرفت: از عهده کارهای خود برآمدن، متأسف شدن از انجام کارهای اشتباه، احساس شادمانی از خود، توانایی مراقبت از خود، اهمیت دادن به جسم و روح خود، تصمیم گرفتن در مورد کارها بدون دشواری، اعتماد کردن دیگران به فرد، اطمینان داشتن به خود و ...

رضایت از زندگی: ارزیابی کلی از کیفیت زندگی فرد بر طبق ملاک‌های انتخاب شده توسط فرد (andrus & withy, 1987: 487). به نقل از ابوالقاسمی، (۱۳۸۵). در این تحقیق رضایت از زندگی از طریق تجربه و احساس لذت به وفور و احساس هیجانانگیز نامطلوب مثل ناراحتی یا خشم به طور نادر.

که از طریق گویه‌های زیر در یک مقیاس پنج‌درجه‌ای سنجیده شد: زندگی من در بیشتر جنبه‌ها با ایده‌آل‌هایم تطبیق دارد، شرایط زندگی‌ام عالی است، از زندگی‌ام راضی هستم، تا این جا چیزهایی را که در زندگی‌ام خواسته‌ام، به دست آورده‌ام، اگر می‌توانستم در زندگی به عقب برگردم، تقریباً هیچ چیز را عوض نمی‌کردم، از امکاناتی که در اختیارم هست رضایت دارم و

احساس عدالت اجتماعی، احساس تبعیض: احساس عدالت اجتماعی نشان دهنده باور به رعایت قوانین و برابری فرصت‌ها در دستیابی افراد به منابع، مناصب و پاداشها در جامعه است (بررسی تجربی اخلاق کار در ایران، ۱۳۷۷: ۷۹). هم چنین می‌توان گفت که اصول مورد نظر در تعریف عدالت اجتماعی شامل لیاقت، شایستگی، استحقاق، برابری درآمد، برابری فرصت‌ها و نابرابری کارکردی نام برد (رضا پور، ۱۳۷۶). احساس تبعیض از نظر چلبی رفتار افتراقی با دیگران به دلیل قومیت آنها (چلبی، ۱۳۷۵). در این تحقیق احساس عدالت اجتماعی در مدرسه و خانواده که دانش‌آموزان حضور دارند از طریق معرف‌های زیر سنجیده خواهد شد: در مدرسه ما دانش‌آموز نمی‌تواند به حق خود برسد، معلمان مدرسه ما با همه دانش‌آموزان برخورد یکسانی ندارند، فکر می‌کنم در مدرسه ما پارتی‌بازی وجود داشته باشد، در مدرسه ما معلمان بین دانش‌آموزان تبعیض قایل می‌شوند، مدیر و معاونان مدرسه ما بین دانش‌آموزان تبعیض قایل می‌شوند.

گستره شبکه روابط: عبارت از محدوده کسانی که فرد با آنها ارتباط دارد و در واقع بر آنان تأثیر می‌گذارد یا از آنان تأثیر می‌پذیرد که این شبکه می‌تواند گسترده یا محدود باشد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۴۵). در این تحقیق میزان عضویت دانش‌آموزان در بسیج دانش‌آموزی، انجمن علمی، هنری، فرهنگی، ورزشی و مذهبی و گروه هنر و موسیقی آذری هم چنین عضویت در انجمن‌های بشردوستانه از قبیل حمایت از محیط زیست، هلال احمر، حمایت از حقوق زنان و کودکان سنجیده شده است.

آگاهی: مفهوم آگاهی به طور گسترده‌ای برای نشان دادن هر حالت ذهنی یا هر آنچه که دلالت بر حالت ذهنی دارد، به کار می‌رود (فریره، ۱۳۸۱: ۷).

بررسی ابعاد هویتی (جهانی، ملی، قومی یا محلی و دینی) دانش‌آموزان دوره متوسطه و عوامل مرتبط با آن

مؤلفه‌های به کار رفته برای سنجش میزان آگاهی دانش‌آموزان در این تحقیق میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و اطلاع از اوضاع محل اقامت، کشور و جهان می‌باشد.

گروه مرجع: گروهی که مورد توجه فرد بوده و ارزش‌ها و هنجارهای آن گروه در شکل‌گیری و سازمان‌یابی درک فرد از موقعیت و هویتش نقش ایفا کند (سروستانی، ۱۳۸۱: ۱۵۳). در این تحقیق، پاسخگو در پاسخ به گونه شخصیت و احترام و الگو ارجحیت را به کدام یک از شخصیت‌های دینی، قومی، ملی و جهانی می‌دهد.

پایگاه اقتصادی - اجتماعی: پایگاه اقتصادی - اجتماعی را می‌توان با ترکیبی از دو مفهوم طبقه (بر پایه شرایط اقتصادی) و پایگاه (بر پایه احترام و اعتبار اجتماعی) ماکس وبر مترادف دانست. چنان که میلر می‌گوید «موقعیت اقتصادی - اجتماعی یک شخص بر فرصت‌های تحصیلی، درآمد، شغل، ثروت و ... و حتی انتظارات از زندگی اشاره دارد» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۳۲۷). مؤلفه‌های به کار رفته برای سنجش سطح پایگاه اقتصادی - اجتماعی عبارتند از: شغل والدین، تحصیلات والدین، میزان درآمد خانواده است. مجموع نمره‌های این ۳ متغیر سطح پایگاه خانواده را نشان می‌دهد که در مقیاس رتبه‌ای سنجیده شده است.

هویت دینی: فرایندی است که افراد یک گروه طی آن با برخورداری از دین و تعالیم مذهبی مشترک پای بندی و وفاداری خود را به آن حفظ نموده و با تمایل به انجام مناسک و آیین‌های مذهبی فراگیر به شکل‌دهی و تحکیم آن می‌پردازند.

هویت قومی: «وارمز و ناندا» گروه‌های قومی را دسته‌هایی از مردم می‌دانند که خودشان را از گروه‌های دیگر جامعه یا از جامعه‌ای بزرگتر به عنوان یک کل متمایز می‌کنند. یک گروه قومی میان خود و گروه‌های دیگر در جامعه به ترسیم مرزهای قومی می‌پردازند که چنین مرزبندی‌هایی هم سبب تقویت همبستگی درون گروه‌ها و هم عامل جدایی‌شان از گروه‌های دیگر می‌شوند. این مرزها باید

مبتنی بر یک زبان، میراث نژادی، یا مذهب مشترک، مناسک، ارزش‌های مشترک یا یک وطن مشترک باشند. بنابراین هویت قومی تجربه‌ای ذهنی، فردی است که شخص را به یک گروه قومی خاصی وابسته می‌کند (وارمز، ۱۹۹۸: ۲۰۵).

هویت ملی: احساس همبستگی با اجتماع بزرگ ملی و آگاهی از آن و احساس وفاداری و همچنین فداکاری در راه آن است (اشرف، ۱۳۷۲: ۸).

هویت جهانی: احساس تعلق و تعهد به جهان به عنوان یک کل (تاملینسون، ۱۳۸۱: ۲۵۲).

در پژوهش حاضر ابعاد هویتی دانش‌آموزان در چهار سطح دینی، قومی (محلی) ملی و جهانی مورد بررسی قرار گرفت. سطح دینی که خاص‌ترین نوع هویت می‌باشد که دارای سه بعد شناختی، اعتقادی و مناسکی (رفتاری) است. دومین سطح تعلق، سطح قومی می‌باشد که افراد در یک یا چند عنصر سمبلیک نظیر مذهب، زبان و سرزمین مشترک هستند، این نوع هویت زیرمجموعه‌ای از هویت ملی است. سومین سطح تعلق، سطح ملی است که شکل غالب در دولت ملی به حساب می‌آید که البته عمدتاً سیاسی است و به علت سیاسی بودن خود نیاز به ایجاد الگوهای ذهنی و رفتاری مشخص در قالب ایدئولوژی حاکم دارند. این هویت عمدتاً در برگزیده ملتی است که در درون سرزمین جغرافیایی مشخص بوده و دارای یک ساختار حاکمیت سیاسی واحد می‌باشند. این گروه دارای سرنوشتی مشترک بوده و در جنبه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ... دارای مشترکات زیادی می‌باشند. سرانجام سطح تعلق جهانی است که نوعی احساس تعلق و وفاداری نسبت به نوع بشر دارد و خود را متعلق به دنیای بزرگ می‌داند و تعلق و مسئولیت جهانی را به رسمیت می‌شناسد و می‌توان این علائق گسترده را در راه و رسم زندگی روزمره ادغام کرد (فکوهی، ۱۳۸۱: ۱۴۳-۱۴۱).

روش تحقیق: روش تحقیق پیمایشی می‌باشد.

جامعه آماری: جامعه‌ی آماری تحقیق حاضر، کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر مشغول به تحصیل در پایه دوم متوسطه نظری در نواحی پنج‌گانه شهر تبریز که

بررسی ابعاد هویتی (جهانی، ملی، قومی یا محلی و دینی) دانش‌آموزان دوره متوسطه و عوامل مرتبط با آن

تعداد آنها ۳۵۹۱۷ نفر که ۱۹۴۹۸ آن شامل دانش‌آموزان دختر و ۱۶۴۱۹ نفر دانش‌آموزان پسر می‌باشد.

نمونه آماری: در این تحقیق برای برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۳۸۵ نفر به دست آمد که با توجه به نسبت جنسی دانش‌آموزان ۲۰۹ نفر دانش‌آموز دختر و ۱۷۶ نفر دانش‌آموز پسر انتخاب گردید.

$$n = \frac{Nt^2s^2}{Nd^2 + t^2s^2} \quad n = \frac{35917 \times (1/96)^2 \times (0/3)}{35917 \times (0/05)^2 + (1/96)^2 \times (0/3)} = 385$$

n': حجم نمونه N: جامعه آماری

۱/۹۶ = t: ضریب اطمینان ۹۵٪ d = ۰/۰۵: دقت احتمالی مطلوب

۰/۳ = S^۲: پیش برآورد واریانس متغیر وابسته که بر اساس پیش‌آزمون به دست آمد.

روش نمونه‌گیری: در تحقیق حاضر از ترکیب شیوه‌ی نمونه‌گیری مطابق یا طبقه‌بندی شده و تصادفی به تفکیک جنسیت می‌باشد، بدین ترتیب که ابتدا از بین ۵ نواحی آموزش و پرورش نواحی ۱، ۳ و ۵ انتخاب شد که از هر کدام از این نواحی، یک دبیرستان دخترانه و یک دبیرستان پسرانه انتخاب شدند، و سپس نسبت دانش‌آموزان دختر و پسر را به کل محاسبه و سپس با توجه به نسبت‌ها، نمونه تخصیص داده شد.

ابزار گردآوری اطلاعات: در این پژوهش پرسش‌نامه محقق ساخته بود.

قسمت‌های اصلی پرسش‌نامه شامل سؤال‌های مربوط به سنجش متغیرهای مستقل، سؤال‌های مربوط به سنجش ابعاد هویتی دانش‌آموزان و سؤال‌های مربوط به مشخصات فردی پاسخگویان بوده است.

تعیین اعتبار^۱ ابزار پژوهش

در این تحقیق هدف اعتبار محتوایی پرسشنامه است که در آن به بررسی اجزا و شاخص‌های تشکیل دهنده ابزار اندازه‌گیری پرداخته می‌شود. اعتبار محتوی در این تحقیق با مراجعه و تبادل نظر با صاحب‌نظران و اساتید دانشگاه و هم‌چنین از طریق تکنیک تحلیل عاملی سنجیده شد که شرح مراحل اجرایی و تعریف مفاهیم تحلیل عاملی در ادامه آمده است.

تحلیل عاملی برای تفکیک و گروه‌بندی سؤال‌های مربوط به ابعاد هویتی

به منظور تفکیک و دسته‌بندی سؤال‌های ۵۷ گانه مربوط به ابعاد هویتی از تکنیک تحلیل عاملی تأییدی تجزیه به مؤلفه‌های اصلی استفاده شد که طبق اطلاعات مندرج در جدول شماره (۱) ملاحظه می‌شود مقدار $KMO = 0/78$ به دست آمده و چون این مقدار از $0/5$ بزرگتر است، بنابراین تعداد نمونه‌ها برای اجرای تحلیل عاملی بسیار مناسب است. زیرا مقدار KMO بین صفر تا ۱ است و هر چه قدر به یک نزدیکتر باشد به همان مقدار روایی نمونه‌ای بالاتر است. مطابق با جدول فوق مقدار کرویت بارتلت نیز برابر $6695/18$ با سطح معنی‌داری $p = 0/000$ به دست آمده و چون این مقدار معنی‌دار است، پس تفکیک عامل‌ها به درستی انجام شده است.

جدول شماره (۱): آزمون کایزمایر و کرویت بارتلت برای ابعاد هویتی

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.		0/788
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square	6695/18
	df	1596
	Sig.	0/000

تعیین پایایی ابزار پژوهش

در این تحقیق برای محاسبه اعتماد یا پایایی از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است. براساس اطلاعات جدول شماره (۲) پایایی سؤال‌های مربوط به هر یک از متغیرهای تحقیق طبق آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۶ به دست آمده است.

جدول شماره (۲): پایایی گویه‌های مربوط به متغیرهای مستقل تحقیق

مؤلفه‌ها	تعداد گویه	مقدار پایایی محاسبه شده
رضایت از زندگی	۶	۰/۷۷۹
پنداشت از خود	۱۰	۰/۶۵۸
گسترش شبکه روابط	۶	۰/۸۳۳
مشارکت گروهی	۷	۰/۷۴۳
احساس تبعیض	۷	۰/۶۰۷
سطح آگاهی	۱۳	۰/۷۱۹
الگوی مرجع	۳	۰/۶۱۶
هویت دینی	۱۰	۰/۷۳۶
هویت قومی یا محلی	۱۹	۰/۷۵۱
هویت ملی	۱۷	۰/۸۴۰
هویت جهانی	۱۱	۰/۶۴۹

نحوه سنجش سازه^۲ ابعاد هویتی (دینی، قومی، ملی و جهانی) در دانش‌آموزان: هویت هم‌چنان که گیدنز و گافمن می‌گویند در کنش‌ورزی با دیگران شکل می‌گیرد اما آن‌چه در این میان مهم است این است که هویت واقعی فرد به شدت وابسته به شبکه‌ئی اجتماعی است که در آن عضویت دارد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۸۲). بدین منظور هویت فرد کلی از هویت‌های دینی، قومی، ملی و جهانی تنظیم و براساس طیف لیکرت توسط گویه‌های متعدد سنجیده شده است. هر پاسخگو در هریک از این ابعاد چهارگانه هویت نمره مستقلی گرفته است که نمره بالا به هرکدام از این ابعاد، بیانگر تعلق فرد به آن هویت است و در بین ابعاد هویتی این بعد از هویت که نمره بالایی گرفته هویت غالب

1- Reliability
2- Constructs

در آن فرد می‌باشد. که در نهایت در تحلیل‌های نهایی ابعاد هویت بصورت اسمی چندحالتی سنجیده شد.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات: داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری spss در دو بخش توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل گردید. در بخش توصیفی برای تحلیل داده‌های کیفی از جداول یک بعدی، توزیع فراوانی و درصدی و برای تحلیل کمی داده‌ها از شاخص‌های مرکزی و پراکندگی و در بخش استنباطی برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون تحلیل واریانس و خی دو استفاده شد، در نهایت برای پیش بینی ابعاد هویتی دانش‌آموزان براساس متغیرهای مستقل از آزمون پیشرفته تحلیل ممیزی استفاده گردید.

یافته های توصیفی

جدول شماره (۳): توزیع فراوانی جنسیت، پایگاه و نوع گروه مرجع و هویت غالب در دانش‌آموزان مورد مطالعه

متغیرها	فراوانی	درصد	درصد معتبر
جنسیت	دختر	۲۰۹	۵۴/۳
	پسر	۱۷۶	۴۵/۷
	کل	۳۸۵	۱۰۰
پایگاه اقتصادی اجتماعی	پایین	۱۲۰	۳۱/۲
	متوسط	۱۹۵	۵۰/۶
	بالا	۷۰	۱۸/۲
کل	۳۸۵	۱۰۰	
انتخاب گروه مرجع	شخصیت جهانی	۱۳۸	۳۷
	شخصیت ملی	۸۶	۲۳/۱
	شخصیت قومی	۸۰	۲۱/۴
	شخصیت دینی	۶۹	۱۸/۵
	کل	۳۷۳	۹۶/۹
بی پاسخ‌ها	۱۲	۳/۱	
کل	۳۸۵	۱۰۰	
هویت غالب	هویت دینی	۱۹۹	۵۱/۷
	هویت قومی	۴۷	۱۲/۲
	هویت ملی	۹۱	۲۳/۶
	هویت جهانی	۴۸	۱۲/۵
	کل	۳۸۵	۱۰۰

بررسی ابعاد هویتی (جهانی، ملی، قومی یا محلی و دینی) دانش‌آموزان دوره متوسطه و عوامل مرتبط با آن

جدول شماره (۴): توزیع پراکندگی متغیرهای مستقل تحقیق

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	واریانس	حداقل	حداکثر
گستره شبکه روابط	۳۸۵	۴۹/۲۲	۲۶/۴۲	۶۹۸/۱۲۴	۰	۱۰۰
سطح آگاهی	۳۸۵	۴۵/۹۲	۱۷/۵۹	۳۰۹/۵	۰	۱۰۰
پنداشت از خود	۳۸۵	۶۷/۴۶	۱۲/۱۵	۱۴۷/۶۲	۲۳/۲۱	۱۰۰
مشارکت گروهی	۳۸۵	۶۵/۹۴	۱۸/۵۹	۳۴۵/۸۷	۰	۱۰۰
رضایت	۳۸۵	۵۷/۶۷	۱۹/۴۸	۳۷۹/۸۳	۰	۱۰۰
احساس تبعیض	۳۸۵	۳۹/۳۲	۱۸/۶۶	۳۴۸/۴۶۶	۰	۹۵

مقایسه میزان گستره شبکه روابط، سطح آگاهی، پنداشت از خود، مشارکت گروهی، رضایت از زندگی و احساس تبعیض با ابعاد هویتی دانش‌آموزان: براساس جدول شماره (۵) ملاحظه می‌شود که نوع هویت دانش‌آموزان با میزان گستره شبکه روابط، سطح آگاهی، مشارکت گروهی، رضایت از زندگی و احساس تبعیض در دانش‌آموزان طبق آزمون تحلیل واریانس یکطرفه معنی دار به دست آمده است، ولی میزان پنداشت از خود معنی دار نبوده است.

جدول شماره (۵): آمارهای توصیفی برای متغیر گستره شبکه روابط بر اساس نوع هویت دانش‌آموزان

F	p	حداکثر	حداقل	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد		
۴/۲۹۲	۰/۰۰۵	۱۰۰	۰	۲۶/۵۳	۴۸/۹۱	۱۹۹	هویت دینی	گستره شبکه
		۹۰	۰	۲۳/۵۲	۴۵/۱۰	۴۷	هویت قومی	
		۱۰۰	۰	۲۴/۳۵	۴۵/۷۳	۹۱	هویت ملی	
		۱۰۰	۰	۲۹/۵۷	۶۱/۱۵	۴۸	هویت جهانی	
		۱۰۰	۰	۲۶/۴۲	۴۹/۲۲	۳۸۵	کل	
۴/۷۷۹	۰/۰۰۳	۱۰۰	۹/۶۲	۱۷/۶۳	۴۷/۸۲	۱۹۹	هویت دینی	سطح آگاهی
		۷۵	۱۱/۵۴	۱۴/۶۲	۴۴/۶۳	۴۷	هویت قومی	
		۱۰۰	۰	۱۷/۵۴	۴۰/۳۸	۹۱	هویت ملی	
		۹۲/۳۱	۱۵/۳۸	۱۸/۰۹	۴۹/۷۹	۴۸	هویت جهانی	
		۱۰۰	۰	۱۷/۵۹	۴۵/۹۲	۳۸۵	کل	

مجله جامعه‌شناسی، سال اول، شماره یکم - زمستان ۱۳۸۷

۰/۲۷۴	۰/۸۴۴	۹۴/۶۴	۲۳/۲۱	۱۲/۵۱	۶۶/۹۴	۱۹۹	هویت دینی	پنجاهت دانش‌آموزان از بخود
		۸۷/۵۰	۴۴/۶۴	۹/۶۸۸	۶۸/۱۲	۴۷	هویت قومی	
		۱۰۰	۲۳/۲۱	۱۲/۷۹	۶۸/۱۷	۹۱	هویت ملی	
		۹۸/۲۱	۳۹/۲۹	۱۱/۷۴	۶۷/۶۷	۴۸	هویت جهانی	
		۱۰۰	۲۳/۲۱	۱۲/۱۵	۶۷/۴۶	۳۸۵	کل	
۴/۲۰۹	۰/۰۰۶	۹۳/۳۳	۰	۱۹/۰۶	۶۴/۴۴	۱۹۹	هویت دینی	مشارکت گروهی
		۹۰	۸	۱۶/۲۱	۶۱/۳۴	۴۷	هویت قومی	
		۹۳/۳۳	۰	۱۸/۸۲	۶۷/۸۰	۹۱	هویت ملی	
		۱۰۰	۳۶/۶۷	۱۶/۳۶	۷۳/۱۶	۴۸	هویت جهانی	
		۱۰۰	۰	۱۸/۵۹	۶۸/۹۴	۳۸۵	کل	
۳/۴۸۸	۰/۰۱۶	۱۰۰	۰	۱۹/۳۲	۵۷/۲۰	۱۹۹	هویت دینی	رضایت از زندگی
		۸۳/۳۳	۱۷/۵۰	۱۶/۲۴	۵۰/۴۵	۴۷	هویت قومی	
		۱۰۰	۱۶/۶۷	۲۱/۲۵	۶۱/۴۹	۹۱	هویت ملی	
		۹۵/۵۰	۱۶/۶۷	۱۸/۸۶	۵۹/۲۸	۴۸	هویت جهانی	
		۱۰۰	۰	۱۹/۵۹	۵۷/۶۵	۳۸۵	کل	
۳/۰۴۴	۰/۰۲۹	۹۳/۳۳	۰	۱۷/۸۸	۳۸/۵۷	۱۹۹	هویت دینی	احساس تبعیض
		۹۰	۱۰	۱۸/۷۶	۴۵/۵۸	۴۷	هویت قومی	
		۸۶/۶۷	۰	۱۸/۶۵	۳۶/۰۸	۹۱	هویت ملی	
		۹۵	۰	۲۰/۲۴	۴۱/۴۲	۴۸	هویت جهانی	
		۹۵	۰	۱۸/۶۲	۳۹/۱۹	۳۸۵	کل	

رابطه بین انتخاب گروه مرجع بعنوان الگو، پایگاه اقتصادی اجتماعی و جنسیت دانش‌آموزان و ابعاد هویتی آنان: براساس اطلاعات جدول شماره (۶) ملاحظه می‌شود که طبق آزمون کی‌دو رابطه بین نوع گروه مرجع و جنسیت دانش‌آموزان با ابعاد هویتی آنان معنی‌دار، ولی در رابطه با وضعیت پایگاه اقتصادی-اجتماعی معنی‌دار به دست نیامده است.

بررسی ابعاد هویتی (جهانی، ملی، قومی یا محلی و دینی) دانش‌آموزان دوره متوسطه و عوامل مرتبط با آن

جدول شماره (۶): رابطه بین انتخاب گروه مرجع به عنوان الگو، پایگاه اقتصادی اجتماعی و جنسیت دانش‌آموزان و ابعاد هویتی آنان

$p = 0/003$	$\Phi = 0/249$	$p = 0/003$	$x^2 = 24/62$	گروه مرجع
---	---	$p = 0/17$	$x^2 = 9/05$	پایگاه اقتصادی - اجتماعی
$p = 0/000$	$v = 0/26$	$p = 0/000$	$x^2 = 26/04$	جنسیت

تحلیل ممیزی برای پیش‌بینی ابعاد هویتی (دینی، قومی، ملی و جهانی) دانش‌آموزان از روی متغیرهای مستقل پژوهش: با استفاده از تحلیل ممیزی انجام شده تعلق هویتی دانش‌آموزان به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای گستره شبکه روابط اجتماعی، سطح آگاهی دانش‌آموزان، مشارکت گروهی، رضایت از زندگی، احساس بی‌عدالتی و تبعیض، پنداشت از خود، نوع گروه مرجع و پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده‌های دانش‌آموزان به عنوان متغیر مستقل تبیین شدند که در مجموع ۳۷۳ نفر (۹۶/۹٪) در تحلیل وارد شدند. تحلیل واریانس یکطرفه نشان داد که دانش‌آموزان با ابعاد هویتی چهارگانه بر روی هر کدام از متغیرهای پیش‌بین به طور معنی‌داری با یکدیگر متفاوت بودند. سه تابع تشخیصی محاسبه گردید. مقدار این تابع برای دانش‌آموزان با ابعاد هویتی چهارگانه به طور معنی‌داری با یکدیگر متفاوت بود.

جدول شماره (۷): همبستگی ضریب کانونی متغیر وابسته با متغیرهای مستقل

مدل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد تجمعی	ضریب همبستگی کانونی	ویلزلامبدا	سطح معنی‌داری
۱	۰/۰۹۷	۴۶/۷	۴۶/۷	۰/۲۹۷	۰/۸۱۹	۰/۰۰۰
۲	۰/۰۷۳	۳۵/۴	۸۲	۰/۲۶۱	۰/۸۹۸	۰/۰۰۰
۳	۰/۰۳۷	۱۸	۱۰۰	۰/۱۸۹	۰/۹۶۴	۰/۰۳۸

اطلاعات جدول شماره (۷) نشان می‌دهد ۱۸ درصد تغییرات مرتبط با متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل وارد شده بر مدل رگرسیونی تبیین شده و ۸۲٪ مرتبط با سایر متغیرهاست که در تحقیق حاضر به آنها پرداخت نگردیده است.

مطابق با آزمون ویلکزلامبدا که برابر ۰/۹۶ با سطح معنی داری $P=۰/۰۳$ به دست آمده که تابع تحلیل ممیز معتبر است و می‌توان از پیش‌بینی آن برای تعیین ابعاد هویتی دانش‌آموزان استفاده کرد.

جدول شماره (۸): مقادیر ضرایب استاندارد نشده، معادله رگرسیونی متمایز کننده ابعاد هویتی چهارگانه

مقادیر تابع	متغیرها
-۰/۰۰۴	رضایت از زندگی
-۰/۰۳۳	پنداشت از خود
۰/۰۰۴	گسترش شبکه روابط
-۰/۰۲۱	مشارکت گروهی
-۰/۰۲۱	احساس تبعیض و بی‌عدالتی
۰/۰۴۵	سطح آگاهی
۰/۰۰۳	نوع گروه مرجع
۰/۴۷۹	پایگاه اقتصادی-اجتماعی
۱/۱۶	مقدار ثابت آلفا

$$Y=1/16-0/004(x_1)-0/033(x_2)+0/004(x_3)-0/021(x_4)-0/021(x_5)+0/045(x_6)+0/003(x_7)+0/479$$

همبستگی بین متغیرهای پیش‌بین و تابع تشخیص پیشنهاد می‌کند که گسترش شبکه روابط، گروه مرجع، رضایت از زندگی، مشارکت گروهی، احساس تبعیض و بی‌عدالتی، سطح آگاهی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی بهترین پیش‌بینی کننده ابعاد هویتی دانش‌آموزان است.

در کل تابع تشخیص برای ۳۶٪ از موارد بطور موفقیت‌آمیزی پیش‌بینی انجام داده است، ۲۳/۱٪ از دانش‌آموزان را متعلق به بعد هویت دینی، ۵۳/۲٪ هویت قومی، ۴۴٪ هویت ملی و ۵۶/۳٪ از دانش‌آموزان را که متعلق به هویت جهانی بوده‌اند به درستی پیش‌بینی کرده است.

جدول شماره (۹): پیش‌بینی صحیح عضویت در گروه

کل	پیش‌بینی عضویت در گروه					گروه
	هویت جهانی	هویت ملی	هویت قومی	هویت دینی		
۱۹۹	۵۳	۴۹	۵۱	۴۶	هویت دینی	مشاهده شده اصلی
۴۷	۱۰	۶	۲۵	۶	هویت قومی	
۹۱	۱۸	۴۰	۲۰	۱۳	هویت ملی	
۴۸	۲۷	۹	۵	۷	هویت جهانی	
۱۰۰	۲۶/۶	۲۴/۶	۲۵/۶	۲۳/۱	هویت دینی	درصد
۱۰۰	۲۱/۳	۱۲/۸	۵۳/۲	۱۲/۸	هویت قومی	
۱۰۰	۱۹/۸	۴۴	۲۲	۱۴/۳	هویت ملی	
۱۰۰	۵۶/۳	۱۸/۸	۱۰/۴	۱۴/۶	هویت جهانی	

نتیجه‌گیری و بحث

شناخت هویت و ابعاد آن و متغیرهای موثر بر آن در این تحقیق مدنظر می‌باشد که با توجه به مطالب مطروحه در فصل دوم و در حد مطالعات محقق، این هدف به دست آمده است و متغیرهای مستقلی شناسایی شده‌اند که عبارتند از: گستره شبکه روابط اجتماعی، سطح آگاهی، پنداشت از خود، رضایت از زندگی، مشارکت اجتماعی، احساس بی‌عدالتی و تبعیض، نوع گروه مرجع، پایگاه اقتصادی، اجتماعی و جنسیت دانش‌آموزان.

نتایج مربوط به بررسی عوامل مرتبط با ابعاد هویتی دانش‌آموزان:

آزمون فرضیه‌های تحقیق نشان داد که بیشتر متغیرهای فوق رابطه‌ای معنادار با متغیر وابسته پژوهش دارند و بخشی از تئوری‌ها و تحقیقات مورد نظر را تایید می‌نمایند و بدین ترتیب این تحقیق و نتایج آن می‌تواند مبنایی سودمند برای تحقیقات آتی باشد و به عنوان ادبیات پژوهش مورد استفاده قرار گیرد.

- در رابطه بین گستره شبکه روابط و ابعاد هویتی (دینی، قومی، ملی و جهانی) دانش‌آموزان، نتیجه آزمون تحلیل واریانس یکطرفه نشان داد که رابطه بین گستره شبکه روابط و ابعاد هویتی دانش‌آموزان معنی‌دار است. به طوری که

دانش‌آموزانی که شبکه روابط گسترده‌ای دارند در بین ابعاد هویتی بیشتر خود را به هویت جهانی متعلق می‌دانند. وجود رابطه فوق مؤید دیدگاه کنش متقابل گرایان می‌باشد که بنا بر آن نوع و سطوح هویت جهانی افراد تابع نوع و سطوح تعاملات با دیگرانی است که فرد به آنها تعلق دارد. بر این اساس رفتار بین گروهی آن رفتاری است که افراد نسبت به دیگران انجام می‌دهند و مبنای آن تعریف از خود و دیگران است که به مقوله‌های اجتماعی متفاوت تعلق دارند. از این رو عضویت در گروه‌های اجتماعی به عنوان یک ابزار شناختی به حساب می‌آیند که می‌تواند سبب تفکیک، طبقه‌بندی و نظم دادن به محیط اجتماعی شده و افراد را قادر سازند که در شرایط مختلف متعهد به انجام اشکال معینی از کنش اجتماعی باشند. بنابراین می‌توان گفت گروه‌های اجتماعی سبب تعیین هویت و شناسایی افراد در جامعه می‌شوند. تاجفل نیز این مطلب را به تعبیر دیگر بیان می‌کند که هویت فرد براساس دانش وی از عضویت اش در یک گروه یا گروه‌های اجتماعی و اهمیت ارزشی و احساس منظم شده به آن عضویت گروهی، مشتق می‌شود. نتایج تحقیق حاضر این امر را تأیید کرده است. بنابراین نتایج تحقیق مذکور قابل کاربرد در جامعه آماری مورد مطالعه می‌باشد.

- در رابطه بین سطح آگاهی و ابعاد هویتی (دینی، قومی، ملی و جهانی) دانش‌آموزان، نتیجه آزمون تحلیل واریانس یکطرفه نشان داد که رابطه بین سطح آگاهی و ابعاد هویتی در دانش‌آموزان معنی‌دار است. به طوری که دانش‌آموزانی که از سطح آگاهی بالایی برخوردار بودند، در بین ابعاد هویتی بیشتر خود را به هویت جهانی متعلق می‌دانند. وجود رابطه فوق تأیید کننده دیدگاه اندرسون و گیدنز می‌باشد. اندرسون معتقد است که شکل‌گیری هویت چیزی است که مدام توسط ابزارهایی مثل روزنامه، تلویزیون و نظام آموزشی روایت می‌شود. این ابزارها مدام به افراد یک جامعه خاطر نشان می‌کنند که دارای تفاوت‌هایی بارز با افراد جوامع دیگر هستند لذا از آنها مجزا می‌باشند، این مجزا بودن اصلی‌ترین مسأله در روایت هویت‌ها است (اندرسون، ۱۹۹۱: ۴۲-۳۸). به نظر گیدنز هویت

افراد براساس آگاهی و هم توسط شرایط و موقعیت‌های اجتماعی در زمان و مکان شکل می‌گیرد. وی معتقد است که عملکردهای اجتماعی، روند بازتابی بودن آن، عقلانیت و خود آگاهی فرد و بازاندیشی آن، هویت فرد را همیشه در فرآیند ساخت‌یابی قرار می‌دهد، به ویژه در عصر جدید که نهادهای امروزی هم دخالت دارند. به زعم وی هر چیزی در زندگی اجتماعی از آن چه سیستم‌های جهانی در بر می‌گیرند تا آن چه که وضعیت فکری یک فرد محسوب می‌شود در یک کردار و راه و رسم اجتماعی به وجود می‌آید. از این رو گیدنز معتقد است که هویت فرد در روند ساخت‌یابی و با توجه به موقعیت‌ها، شرایط و احوال و اوضاع اجتماعی، اقتصادی و نیز آگاهی فرد شکل می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۸۱). بین سطح آگاهی و هویت جمعی رابطه وجود دارد. یکی از ویژگی‌های مهم جهانی شدن به کارگری فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوین است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که به استفاده از رسانه‌های جمعی، مطالعه و ... با هویت جمعی دانش‌آموزان رابطه دارد. به عبارت دیگر هر چه افراد بیشتر از اخبار، محل، کشور و جهان مطلع می‌شوند و از رسانه‌های جمعی استفاده می‌کنند هویت آنها بیشتر به سوی دگرگونی و هم‌سویی با نوشتن و جهانی شدن پیش می‌رود. یکی از متغیرهای بررسی شده در این پژوهش گسترش شبکه روابط اجتماعی است.

که تحقیق حاضر نیز به لحاظ تجربی موارد نظری یاد شده را تأیید کرده است، بنابراین قابل کاربرد در جامعه آماری مورد مطالعه می‌باشد.

- در رابطه بین پنداشت دانش‌آموزان از خودشان و ابعاد هویتی (دینی، قومی، ملی و جهانی) آنان، نتیجه آزمون تحلیل واریانس یکطرفه نشان داد که رابطه بین پنداشت از خود و ابعاد هویتی در دانش‌آموزان معنی‌دار نیست.

- در رابطه بین نوع گروه مرجع و ابعاد هویتی (دینی، قومی، ملی و جهانی) دانش‌آموزان، نتیجه آزمون تحلیل واریانس یکطرفه نشان داد که رابطه بین نوع گروه مرجع دانش‌آموزان و ابعاد هویتی در آنها معنی‌دار است، به طوری که دانش‌آموزانی که گروه مرجع‌شان جهانی بود در بین ابعاد هویتی بیشتر خود را به هویت جهانی

متعلق می‌دانند. وجود رابطه فوق تأیید کننده دیدگاه کنش متقابل گرایان و گیدنز می‌باشد. به نظر می‌دهد همانندسازی با گروه یا شخص مرجع در جامعه‌پذیری و در نهایت شکل‌گیری هویت فرد نقش به‌سزایی دارد. تاجفل نیز بر این باور است که نگرش مردم به طور قوی تحت تأثیر عقاید و الگوهای رفتاری گروه‌هایی هستند که فرد هویت خود را بدان نسبت می‌دهند. طبق این دیدگاه انسان‌ها در رفتار و ارزیابی‌های خود جهت‌گیری‌های شان را متناسب با گروه‌هایی که به عنوان چارچوب مرجع برمی‌گزینند، تنظیم نموده و ضمن تعلق خاطر به آنها هویت می‌یابند. از دیدگاه تلفیق‌گرایان نیز گیدنز بر این باور است که انسان امروزی دیگر مانند گذشته یک انسان تک‌ساحتی نبوده بلکه در تعامل با گروه‌های مرجع متعدد و هم‌چنین سطوح متنوع دیالوگ و گفتگو، هویتی چند ساحتی و چند بعدی یافته است.

- در رابطه بین مشارکت گروهی و ابعاد هویتی (دینی، قومی، ملی و جهانی) دانش‌آموزان، نتیجه آزمون تحلیل واریانس یکطرفه نشان داد که رابطه بین مشارکت گروهی دانش‌آموزان و ابعاد هویتی در آنها معنی‌دار است، به طوری که دانش‌آموزانی که مشارکت گروهی بالایی دارند در بین ابعاد هویتی بیشتر خود را به هویت جهانی متعلق می‌دانند. وجود رابطه فوق تأییدکننده دیدگاه کنش متقابل گرایان و گیدنز می‌باشد.

نتایج تجربی تحقیق

با توجه به این که تمام فرضیه‌های برگرفته از مطالب تئوریک پژوهش مورد قبول واقع نشده‌اند، می‌توانیم نتایج تئوریک پژوهش حاضر را به شرح زیر بیان کنیم:

ترنر با تمایز هویت اجتماعی (تعریف خود از طریق عضویت در گروه) و هویت شخصی (تشریح خود از طریق تلقی‌ها و ایده‌های شخصی)، یک نظریه هویت اجتماعی رفتار گروهی را مطرح می‌کند. مردم خود را به واسطه عضویت در گروه‌های اجتماعی مشترک، تعریف می‌کنند (ترنر و دیگری، ۲۰۰۱: ۲۰).

زمانی که هویت اجتماعی نسبت به هویت شخصی برجسته می‌شود، مردم خود را کمتر از طریق تفاوت‌های فردی و بیشتر از طریق مشابهت‌های درون‌گروهی می‌بینند و این همان شخصی‌سازی خود است.

تاجفل و دیگران استنباط می‌کنند مقوله‌بندی به تنهایی برای تحقق موقعیت‌های معین برای استنباط جهت‌گیری گروهی کافی است. مقوله‌بندی اجتماعی می‌تواند به طرف داری گروهی بیانجامد و متغیرهایی که مقوله‌بندی را برجسته می‌کنند، در تعیین سوءگیری از اهمیت خاصی برخوردارند (همان: ۲۷)، یعنی وقتی فرد به مقوله‌بندی دست یافت و پیش خود گروه مورد نظر خود را تشخیص داد، ارزیابی مثبتی از گروه خود خواهد داشت و گستره روابط و تعاملات خود را با آن گروه زیادتر خواهد کرد. تحقیق حاضر نیز به لحاظ تجربی موارد نظری یاد شده را تأیید کرده است، بنابراین قابل کاربرد در جامعه آماری مورد مطالعه می‌باشد.

بحث

در جمع‌بندی نتایج حاصل از مرور دیدگاه‌های نظری و منابع تجربی موجود در ارتباط با هویت با تأکید بر دیدگاه‌های سطح خرد می‌توان گفت که هویت امری اجتماعی است و در ارتباط با اجتماع و دیگران معنا و مفهوم می‌یابد. شکل‌گیری و یا تغییر آن بسته به عوامل و شرایط مختلف در سطح خرد و کلان و ارتباط متقابل این دو سطح دارد. نکته‌ای دیگر که باید به آن اشاره کرد این است که یک فرد می‌تواند دارای چندین هویت مختلف بوده و وجود آنها در کنار همدیگر به منزله نوعی تعارض و تناقض و یا نفی یکدیگر قلمداد نمی‌شود بلکه این هویت‌ها می‌توانند در تعامل با یکدیگر بوده و بسته به شرایط و موقعیت‌های مختلف اجتماعی یکی از آنها شکل غالب پیدا کرده و فرد براساس آن خود را شناخته و در قبال آن احساس تعلق، تعهد و وابستگی کند. بنابراین هویت ضرورتاً یا مستمراً ثابت نیست و هر زمان و به تناسب شرایط ویژه انتظار شکل‌گیری هویتی خاص می‌رود. هویت مجموعه‌ای متغیر و متحرک است که همواره در ارتباط با جریان‌های که ما نماینده یا مخاطبان اش واقع می‌شویم و از طریق نظام‌های فرهنگی که ما را احاطه کرده‌اند شکل و تغییر شکل می‌پذیرند.

به نظر محقق عصر جهانی شدن به این سیال و متغیر بودن هویت کمک فراوانی کرده است.

پیشنهادها

- توصیه می‌شود برنامه‌هایی جهت افزایش اطلاعات و آگاهی دانش‌آموزان و خانواده‌های آنها در خصوص مسائل جامعه ارائه شود که در نهایت امر، این مسأله منجر به تقویت باورها و گرایش نسل بعدی به مسائل اجتماعی و تقویت هویت جمعی آنان خواهد شد.

- توصیه می‌شود نهادهایی هم چون وزارت فرهنگ و ارشاد، سازمان ملی جوانان، نظام آموزش و پرورش و ... برنامه‌ریزی‌های متنوع و جذابی برای نوجوانان و خانواده‌های آنها در رابطه با مسائل قومی، دینی، ملی و جمعی طراحی نمایند و زمینه مشارکت دانش‌آموزان و خانواده‌ها را نیز در این برنامه‌ها فراهم سازند.

- از طریق برنامه‌ریزی‌های ظریف و اصولی بر اسطوره‌ها، شخصیت‌ها و وقایع ملی و دینی بیشتر کار شود و سازمان‌های ذی ربط جهت آشنایی خانواده‌ها و نوجوانان در این رابطه بهتر عمل نمایند چرا که بسیاری از موارد مشاهده می‌شود که خانواده‌ها و نوجوانان با اسطوره‌های ملی، دینی و قومی آشنایی نداشته، لذا هیچ نوع تمایلی نیز در زمینه آشنایی بیشتر یا گرایش به آن ندارند.

- توصیه می‌شود در مدارس و به طور کلی نهادهای آموزشی واحدهای درسی درباره مسائل قومی، دینی، ملی و مسائل جهانی البته نه نظری بلکه عملی طراحی شود و نوجوانان و جوانان به شرکت فعال در این برنامه‌های کلاسی تشویق شوند.

- توصیه می‌شود فرهنگ‌سراهای مناطق در هنگام تعطیلات یا آخر هفته و یا به مناسب‌های مطرح، برنامه‌هایی را جهت جذب نوجوانان و خانواده‌ها و آموزش آنان با مسائل دینی و ملی برگزار نمایند.

- در دوره‌ی کنونی که ایران با کاهش هویت‌های گروهی، ملی، قومی و مذهبی همراه است باید با سازوکارهای فرهنگی و علمی به تقویت این هویت‌ها پرداخته شود.

- همان طوری که در نتایج تحقیق آمد متأسفانه میزان عضویت دانش‌آموزان در انجمن‌ها تقریباً ضعیف بوده است. لذا لازم است که حداقل در مدارس ضمن ایجاد زمینه و بسترسازی مناسب، دانش‌آموزان را به عضویت در انجمن‌ها و نهادهای مدنی در سطوح مختلف محلی، ملی و بین‌المللی تشویق نموده تا ضمن تقویت روحیه همزیستی و بستگی مسالمت‌آمیز، حس همدردی و تعلق به انسانیت واحد و حقوق مشترک نیز در آنها شکوفا شود.

- وجود رابطه بین متغیرهای مستقل و احساس تعلق به هویت جهانی که در نتایج تحقیق به چشم می‌خورد بیان‌کننده ناگزیر بودن روند جهانی شدن و نفوذ آن با سرعت شگفت‌آور در همه زمینه‌ها است، لذا لازم است به جای چشم بستن بر این واقعیت و انکار آن، برخوردی عقلانی و منطقی با این واقعیت به عمل آید و ضمن آشتی دادن و تقویت جنبه‌های مشترک هر چهار نوع هویت دینی، قومی، ملی و جهانی در زمینه ارزش‌های والای انسانی و اخلاقی، نشان دهیم که هویت جهانی لزوماً تضادی با هویت قومی، دینی و ملی ندارد.

- همان طوری که از نتایج تحقیق برمی‌آید، شخصیت‌های ملی و قومی کمتر از سوی دانش‌آموزان به عنوان مرجع و الگو برگزیده شده‌اند. دلیل عمده آن شاید عدم آشنایی با این شخصیت‌ها باشد. لذا لازم است در این خصوص تدابیری اتخاذ شود تا ضمن معرفی چهره‌های ماندگار این مرز و بوم، ضمن تحلیل از شخصیت وارسته آنها، هر چه بیشتر و بهتر به نوجوانان معرفی شوند.

منابع

- ۱- آخوندی، م. ۱۳۷۷، بررسی هویت ملی و مذهبی جوانان مشهدی و تأثیر روابط اجتماعی بر آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- ۲- آذرخش، ا. ۱۳۸۷، بررسی وضعیت هویت دینی دانش آموزان مدارس متوسطه (پسرانه) شهر سندرچ، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- ۳- احمدلو، ح. ۱۳۸۱، بررسی رابطه میزان هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۴- احمدی، ب. ۱۳۸۰، معمای مدرنیته، تهران، نشر مرکز.
- ۵- اشرف، ا. ۱۳۷۲، هویت ایرانی، فصلنامه گفتگو، شماره ۲.
- ۶- افروغ، ع. ۱۳۸۱، هویت‌شناسی مذهبی و باورهای دینی ایرانیان، مجموعه مقالات جامعه و فرهنگ، چاپ چهارم، انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- ۷- اکبری، ح و دیگری. ۱۳۸۷، هویت ملی و عوامل مؤثر بر آن در میان دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر شیراز، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره نشریه ۲۷.
- ۸- ابوالقاسمی، ف. ۱۳۸۵، هنجاریابی سلامت ذهنی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان.
- ۹- انصاری، م. ۱۳۷۵، بازشناسی و پیش‌نیازهای مدیریت در نظام اجرایی، مدیریت دولتی، شماره ۴۳-۴۴، تهران.
- ۱۰- برگر، پ و دیگری. ۱۳۷۵، ساخت اجتماعی واقعیت، ترجمه: فریبرز مجیدی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- ۱۱- تاملینسون، ج. ۱۳۸۱، جهانی شدن و فرهنگ، ترجمه: محسن حکیمی، تهران، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۱۲- تنهایی، ا. ۱۳۷۴، درآمدی بر نظریه‌های و مکاتب جامعه‌شناسی، نشر مرنديز، چاپ دوم، گناباد.
- ۱۳- توسلی، غ. ۱۳۸۰، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، انتشارات سمت.

- ۱۴- جنکینز، ر. ۱۳۸۱، **هویت اجتماعی**، ترجمه: تورج یاراحمدی، تهران، نشر شیرازه.
- ۱۵- حاجیانی، ا. ۱۳۷۹، **تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه**، فصلنامه مطالعه، سال دوم، شماره ۵.
- ۱۶- چلبی، م. ۱۳۷۵، **هویت‌های قومی و رابطه آن با هویت اجتماعی**، تهران، وزارت کشور.
- ۱۷- چلبی، م. ۱۳۸۰، **هویت‌های قومی و رابطه آن با هویت ملی در ایران**، تهران، دفتر امور اجتماعی وزارت کشور.
- ۱۸- ذکایی، م. ۱۳۸۰، **اخلاق شهروندی، رابطه هویت یابی جمعی و ارزش‌های دیگرخواهانه**، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۵.
- ۱۹- ذکایی، م. ۱۳۸۱، **آموزش شهروندی**، مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، دوره جدید، شماره ۱.
- ۲۰- دارندروف، ر. ۱۳۸۱، **انسان اجتماعی**، ترجمه: مجیدی، تهران، انتشارات آگاه.
- ۲۱- رابرتسون، ی. ۱۳۸۰، **جهانی شدن، تئوری‌های اجتماعی، فرهنگی و جهانی**، ترجمه: کمال پولادی، تهران، نشر ثالث.
- ۲۲- رضایی، ا و دیگران. ۱۳۸۵، **بررسی تأثیر تغییرات ساختاری خانواده بر هویت اجتماعی**، همایش نهادهای اجتماعی و همبستگی ملی.
- ۲۳- روحانی، ل. ۱۳۸۰، **جوانان، تحولات اجتماعی و بحران هویت**، روزنامه حیات نو، ۹/۲۴.
- ۲۴- روشه، گ. ۱۳۷۸، **جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز**، ترجمه: عبدالحسین نیک گهر، تهران، انتشارات تبیان.
- ۲۵- ریتزر، ج. ۱۳۷۴، **نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر**، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲۶- زیمل، ج. ۱۳۷۳، **پول در فرهنگ مدرن**، ترجمه: یوسف ابادری، ارغنون، شماره ۳.
- ۲۷- ساروخانی، ب. ۱۳۷۰، **درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی**، تهران، نشر کیهان.

- ۲۸- سروستانی، ص. ۱۳۸۱، گروه‌های مرجع در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰.
- ۲۹- عبداللهی، م. ۱۳۷۵، جامعه‌شناسی بحران هویت، نامه پژوهش، شماره ۳ و ۲.
- ۳۰- عبداللهی، م. ۱۳۸۰، گرایش دانشجویان بلوچ به هویت ملی در ایران، نامه انجمن جامعه‌شناسی، دوره چهارم، شماره ۴.
- ۳۱- علاقه‌بند، ع. ۱۳۷۲، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران، ناشر مؤلف، چاپ پانزدهم..
- ۳۲- علیزاده اقدم، م و دیگران. ۱۳۸۶، تطبیق هویت ملی و دینی دانش‌آموزان، مجله علمی پژوهشی علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، جلد ۲۳، شماره ۲.
- ۳۳- فریره، ن. ۱۳۸۱، شکل‌گیری هویتی و الگوهای محلی، ملی و جهانی، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۴.
- ۳۴- فکوهی، ن. ۱۳۸۱، شکل‌گیری هویتی و الگوهای محلی، ملی و جهانی، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۲.
- ۳۵- کاستلز، ا. ۱۳۸۵، عصر اطلاعات، قدرت و هویت، ترجمه: حسن چاووشیان، جلد ۲، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۳۶- کلانتری، ع و دیگران. ۱۳۸۸. هویت دینی و جوانان (نمونه آماری جوانان شهر شیراز)، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، شماره ۶، صص ۱۴۱-۱۲۵.
- ۳۷- کوزر، ل. ۱۳۷۵، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، نشر علمی - فرهنگی.
- ۳۸- گل محمدی، ا. ۱۳۸۰، جهانی شدن، فرهنگ، هویت، تهران، نشر نی.
- ۳۹- گیدنز، آ. ۱۳۷۸، تجدد و تشخیص، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران، انتشارات نی.
- ۴۰- گیدنز، آ. ۱۳۸۲، جهان رها شده، ترجمه: علی اصغر سعیدی و دیگران، مشهد، نشر نیکان.

- ۴۱- مانهایم، ک. ۱۳۸۰، ایدئولوژی و اتوپیا، ترجمه: فریبرز محمدی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۴۲- مشیری، م. ۱۳۶۹، فرهنگ زبان فارسی، تهران، انتشارات سروش.
- ۴۳- مروت، ب. ۱۳۸۳، بررسی عوامل مؤثر بر هویت جمعی غالب در بین دانشجویان (نمونه موردی دانشجویان دانشگاه های شهرستان سنندج)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
- ۴۴- هولاب، ر. ۱۳۷۸، یورگن هابرماس: نقد در حوزه عمومی، ترجمه: حسین بشیریه، تهران، نشر نی.

- 45- Bolby Nadine. 2001, "Encountering an American Self: Study Abroad and National Identity." Northern Illinois University.
- 46- Howars, Judith, A. 2000. "Social Psychology of Identities". Annual Review of Sociology, Vol. 26, pp: 367-393.
- 47- Marshal, Gordon. 1996, Oxford conise Dictionary of sociology: oxford university Press.
- 48- Turner, Jonathan, H. 1998, The Structure of sociological theory. Sixth edition. Belmont: hadsworth publication.
- 49- Turner, C. & Haslem, S. 2001 Social Identity, Organization and Leadership, London: Lawrence Erlbaum Association's Publishers.
- 50- Warmrs, Richard and Serena Nanda. 1998, Cultura Anthropology United States of America. Wardworth publshing company.